هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ،اقتصادی ورزشی

نسیم جنوب

شماره دو - یکشنبه ۴ مردادماه ۱۳۷۷

هشت صفحه ۵۰ تومان

محرومیتهای استان بوشهر و اجرای برنامه‌های اول و دوم توسعه

یک ماجرا و یک معما

پیرامون مراسم بزرگداشت صادق چوبک

در اعتراض به نحوه برخورد اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی بوشهر بامراسم بزرگداشت صادق چوبک

استعفای یکی دیگر از اعضای هیئت مدیره انجمن شعر و ادب بوشهر

کی رنج مزمنِ محرومیتِ گناوه درمان می‌شود؟

خداحافظی تلخ یک شهردار

جای خالی تیم ملی فوتبال ایران



آبپخش ـ عکس از حسین صافی

گفتگو با هوشنگ گلشیری نویسنده و منتقد معاصر

چوبک داستانهایش را غریزی می‌نوشت

گفتگو با مهندس سید مرتضی نبوی

مدیر مسئول روزنامه رسالت و از فعالین جناح راست و تشکل‌های همسو

تشنجهائی که در سطح جامعه تحت عنوان توسعه سیاسی ایجاد می‌شود، به نفع دولت نیست.

گفتگو با استاد کامبیز روشن روان آهنگساز بوشهری‌الاصل برجستهٔ کشور

بوشهر به لحاظ موسیقی صاحب یکی از شاخصترین و غنی‌ترین انواع موسیقی در ایران است.

جوابیه اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر و انجمن شعر و ادب بوشهر درباره مراسم بزرگداشت صادق چوبک و توضیح نسیم جنوب

به نام یزدان پاک

پرستویم سفر کرد از در و بام
سرایم شد تهی از برگ پیغام
از او مانده است خاشاکی به سقفم
چه ما را خاک بر سر کرد ایام

«م.آ»

مردم بزرگ و مهربان و فداکار بوشهر:
دوستان، همقلمان و هم قدمدمان گرانمایه!

مرگ محمدباقر آتشی، برادر و دوست و مونس عزیزمان، آن هم به آن ناگهانی و در اواسط جوانی، نه آنچنان تلخ بود که باور کنیم می‌توانیم تحملش کرده، خود جان سالم از درد کشندهٔ آن به در بریم. حضور شما، با آن شکوه و سنگینی از روزهای بیماری و بیمارستان تا مرگ، تشییع و مراسم سوگواری و هفته، بیش از آنکه نشانهٔ یک همدردی ساده باشد، گواه از آگاهی شما از شدت درد قلبهای رنج کشیدهٔ ما بود. اگر نه این حضور و همدردی خالصانه بود، مشکل می توانستیم سوگوار عزیز دیگری از خانواده نشویم. شما همه، بزرگی و بزرگواری کردید، بر ما منت نهادید و با هر گامی که به سوی ما آمدید، پاره‌ای از سنگینی بار هولناک غم ما را برداشتید و ما را سبکبار تر کردید. از همهٔ شما سپاسگزاریم. چه آنها که با گام و چه آن‌ها که با نام و پیغام و تاج گل، خود را شریک پریشان روزگاری ما کردند. کاش می‌توانستیم به تعداد تپش قلبها و شمار گامهای شما سپاس نثارتان کنیم و نامهای عزیزتان را اینجا به تکرار بنویسیم. چون میسر نیست، همین اندک را از ما بپذیرید، همهٔ مردم بزرگ و ارجمند استان بوشهر، همه عزیزانی که از راه دور و نزدیک ما را شرمنده کردند. همه آنها که تلگراف و فاکس زدند، از همه تشکر می‌کنیم. همچنین از اداره کل کار و امور اجتماعی استان، از مدیر کل بزرگوار تا کارمندان و کارکنان آن، یعنی همکاران گرامی باقر از دست رفته که می‌دانیم تا روزها جای خالی او دلشان را تنگ خواهد کرد، صندوق قرض‌الحسنه ابوالفضل، باشگاه ورزشی قائم، باشگاه ورزشی شاهین، باشگاه ورزشی پیروزی، جامعه ادبی بوشهر، انجمن شعر و ادب بوشهر، حق‌العمل کاری ترخیص کاران گمرک بوشهر، نمایندگی شرکت پیام، مدیر کل و کارکنان اداره کل آموزش فنی حرفه‌ای، و خصوصاً مردم محل حسینیهٔ سیدمحمد و گردانندگان گرامی حسینیه که باقر را همکار و رفیق و هم قطار روزها و شبهای سوگواری ائمه می‌دانند. باری از همه شما سپاسگزاریم و امیدواریم خداوند عمر دراز و دل خوش به همه عطا کند و به ما توفیق خدمت در مجالس شادی شما عطا فرماید. (هم اینجا از آقای بازیاری که با سوگسرودهای گرم خود ما را سبکبار کردند و نیز از آقای باقر آرامی که با طنین خوش آواز به ما قوت قلب بخشیدند سپاسگزاری می‌کنیم).

«از طرف خانواده‌های آتشی، باباچاهی و جفره‌ای و تمامی منسوبین»

استاد بزرگوار آقای منوچهر آتشی،
برادرگرامی آقای رسول آتشی

ما را نیز در غم فراق آن سفر کردهٔ عزیز شریک بدانید امیدواریم همواره بر این مصیبت صبور باشید و خداوند اجر این صبر را از شما و خانوادهٔ عزیز دریغ نفرماید.

«نصرت‌زمان وادی»

خانواده محترم آتشی
(منوچهر، نوذر، رسول)

ضایعهٔ دردناک از دست رفتن مرحوم محمدباقر آتشی را به آن خانواده تسلیت عرض می‌نمایم و از خداوند بزرگ برای شما صبر جمیل آرزومندم.

«احمد آرام»

دیدار استاندار بوشهر با رئیس گمرک کشور

مراکز گمرکی استان از رونق خوبی برخوردار نیستند

مسائل و مشکلات گمرکات استان بوشهر و راهکارهای برون رفت از بحران و رکود حاکم بر وضع موجود در نشست آقای کرباسیان رئیس گمرک جمهوری اسلامی ایران با فرمانداران شهرهای مرزی استان مورد بحث و بررسی قرار گرفت. به گزارش روابط عمومی استانداری، در این جلسه دکتر انصاری لاری استاندار بوشهر با اشاره به نقش حساس و سرنوشت‌ساز گمرک در ساختار اقتصادی شهرهای مرزی و نیز رکود حاکم بر گمرکات استان بوشهر اظهار داشت: در حال حاضر در سطح استان بوشهر ۱۰ واحد اداره و دفتر گمرکی وجود دارد که به جز گمرک بوشهر و گناوه، دیگر مراکز گمرکی استان از رونق خوبی برخوردار نیستند و در سالهای اخیر ما حتی شاهد تعطیل شدن چندین دفتر نیز بوده‌ایم، حال آنکه در گذشته نه چندان دور، دامنه نفوذ و فعالیت گمرکات در استان خیلی بیشتر بوده است، وبرای حل این معضل در اولین گام باید دردها و مشکلات موجود شناسائی و حل شوند تا زمینه‌های حرکت اقتصادی مردم و استفاده بیشتر و بهتر از تجارب از طریق دریا فراهم شود. در این جلسه پس از بحث و بررسی‌های لازم تصمیم گرفته شد هر ملوان دست کم مجاز به چهار بار مسافرت در سال باشند و عرف «ته لنجی» تداوم یافته و مورد حمایت قرار گیرد. همچنین درباره اصلاح ساختاری قوانین و آئین‌نامه‌های مشکل‌ساز و تبدیل برخی از دفاتر گمرکی واجد شرایط به اداره، بررسی‌های لازم به عمل آمد که تصمیم‌گیری در این موارد به آینده موکول شد.

در اعتراض به نحوه برخورد اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی بوشهر با مراسم بزرگداشت صادق چوبک

استعفای یکی دیگر از اعضای هیئت مدیره انجمن شعر و ادب بوشهر

در شماره گذشته خبر استعفای دبیر انجمن شعر و ادب بوشهر در اعتراض به عملکرد اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی در خصوص مراسم بزرگداشت صادق چوبک به چاپ رسید. باخبر شدیم که یکی دیگر از اعضای هیئت مدیره انجمن شعر و ادب بوشهر نیز در همین رابطه استعفای خود را تقدیم مسئول این انجمن نموده است. سیامک برازجانی دومین عضو هیئت مدیره انجمن شعر و ادب بوشهر است که در ارتباط با عملکرد اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی راجع به مراسم بزرگداشت صادق چوبک استعفا می‌دهد. در همین ارتباط چند تن از شاعران جوان در مصاحبه با خبرنگار ما خواستار انحلال انجمن شعر و ادب بوشهر و مشخص شدن جایگاه و ارتباط آن با اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی و همچنین انتخاب دوباره اعضای آن شده‌اند.

اختصاص ۱۱ میلیارد ریال اعتبار به شهرستان بوشهر

بیش از ۱۱ میلیارد و ۶۹۴ میلیون ریال از محل تبصره‌های ۶، ۲۵ و ۳۷ به شهرستان بوشهر اختصاص یافت. فرماندار بوشهر در شورای اداری این شهرستان ضمن بیان این مطلب افزود: این اعتبارات در زمینه‌های کشاورزی، آموزش و پرورش، عمران، مسکن، راه و ترابری، آبرسانی و سایر خدمات عمومی هزینه خواهد شد. قائدزاده همچنین اظهار داشت: اعتبارات را به پروژه‌هایی اختصاص می‌دهیم که حدود ۷۰٪ آن انجام شده و بتوان در سالجاری بهره‌برداری نمود. وی از دستگاههای ذیربط خواستند که با تلاش مضاعف موجب جذب اعتبارات تخصیصی در مدت معین شوند.

«دیکتاتور بزرگ» در کانون فیلم

«دیکتاتور بزرگ» به کارگردانی بازیگر و کارگردان بزرگ سینما چارلی چاپلین، نام فیلمی است که قرار است چهارشنبه همین هفته در فرهنگسرای شهیدگنجی (سالن سازمان تبلیغات) نمایش داده شود. علاقمندان می‌توانند با همراه داشتن کارت عضویت کانون فیلم رأس ساعت ۴:۳۰ بعد از ظهر در جلسه حضور به هم رسانند. ضمناً پس از نمایش فیلم نیز جلسه نقد و بررسی برگزار می‌شود.

در هفته گذشته نامه‌ای از طرف اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی به دفتر نسیم جنوب رسید که ضمیمه آن نامهٔ دیگری از سوی انجمن شعر و ادب بوشهر بود. این دو نامه در جواب مطالب هفته گذشته نسیم جنوب در خصوص آن انجمن بود، با اینکه در شماره قبل، ۱۷ سطر، از سوی نشریه، درباره آن انجمن نوشته شده بود و بنابر قانون مطبوعات، ما ملزم به چاپ جوابیه آن انجمن تا ۲ برابر آن مطالب، یعنی ۳۴ سطر می‌باشیم، اما جواب ارسالی ۱۰۵ سطر می‌باشد، از باب احترام به آن انجمن، علیرغم پاره‌ای توهین‌ها در این جوابیه، اینبار متن کامل آنرا در زیر به چاپ می‌رسانیم:

جوابیه اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر و انجمن شعر و ادب بوشهر

بسمه‌تعالی

برادر محترم آقای خلف‌پور

مدیر مسئول هفته نامه نسیم جنوب

سلام علیکم

احتراماً، نظر به درج مطالبی خلاف واقع در اولین شماره آن هفته نامه در خصوص عدم همکاری مسئولین فرهنگی و ارشادی استان در برگزاری مراسم یادبود مرحوم صادق چوبک به پیوست متن جوابیه انجمن شعر و ادب وابسته به این اداره کل به منظور تنویر افکار عمومی ارسال می‌گردد. شایسته است طبق قانون مطبوعات نسبت به درج کامل آن اقدام لازم مبذول فرمائید.

از طرف سیدنورالدین ابطحی

مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر

بسمه تعالی

در روز دوشنبه مورخه ۷۷/۴/۲۲ ساعت ۶ بعد از ظهر انجمن شعر و ادب بوشهر در فرهنگسرای شهید صادق گنجی تشکیل جلسه داد. هدف از تشکیل جلسه انتخاب رئیس و دبیر انجمن و دیگر اعضاء هیئت مدیرهٔ انجمن بود. در این جلسه، آقایان صیدالی بعنوان رئیس، احمدی‌فر نائب رئیس، برازجانی خزانه‌دار، خانم ایزدپناه منشی و آقای شریف بعنوان دبیر انجمن و عبدالمجید زنگوئی و رضا معتمد (درجلسه حضور نداشت) اعضاء علی‌البدل انتخاب شدند. همچنین در جلسه جداگانه‌ای که بلافاصله در ساعت ۷:۳۰ بعد از ظهر همان روز تشکیل و صورتجلسه آن به خط آقای محسن شریف تدوین و به امضاء نامبرده رسیده است (تصویر آن ضمیمه می‌باشد) مقرر شد که مشارالیه به نمایندگی از طرف انجمن جهت تعیین محل برگزاری یادبود مرحوم صادق چوبک با مسئولین مربوطه با ذکر نام ادارات هماهنگی لازم را به عمل آورد.

صبح روز دوشنبه ۷۷/۴/۲۲ اطلاعیه‌ای درباره برگزاری مراسم یادبود مرحوم صاق چوبک در نسیم جنوب به چاپ رسیده بود که در این اطلاعیه زمان برگزاری مراسم بعداز ظهر روز پنجشنبه ۷۷/۴/۲۵ و مکان هم در سالن کانون فرهنگی تربیتی امام خمینی (ره) ذکر شده و ذیل اطلاعیه خانواده مرحوم چوبک و انجمن ادب و هنر استان بوشهر نوشته شده است.

هفته نامه نسیم جنوب در روز یکشنبه ۷۷/۴/۲۸ در توضیح تکذیبیه انجمن شعر و ادب بوشهر نوشت: «در هفته گذشته از طرف دبیر انجمن شعر و ادب بوشهر که انجمن شعر و قصه و انجمن ادب و هنر نیز نامیده می‌شود اطلاعیه‌ای در ارتباط با برگزاری مراسم بزرگداشت نویسنده بزرگ شادروان صادق چوبک به هفته نامه نسیم جنوب داده شد.»

با توجه به موارد فوق‌الذکر نکاتی چند به شرح زیر ضروری است و آن اینکه: زمان تشکیل انجمن شعر و ادب شهرستان بوشهر عصر روز دوشنبه بوده است، همچنین در این جلسه بود که رئیس و دبیر انجمن مشخص شده‌اند، بنابراین با توجه به اینکه هفته نامه نسیم جنوب صبح دوشنبه و حتی ۲۴ ساعت قبل از آن عصر یکشنبه درمعرض فروش قرار می‌گیرد انجمن شعر و ادب بوشهر در آن موقع اصولاً دبیری نداشته است تا یک روز قبل مجاز باشد به نسیم اطلاعیه بدهد و معلوم است بر اساس صورتجلسه موجود تصمیم‌گیری درباره مراسم مزبور عصر روز دوشنبه مورخه ۷۷/۴/۲۲ اتخاذ گردیده است که در آن جلسه نه زمان برگزاری مراسم مشخص بوده و نه مکان آن، ضمن اینکه نام انجمن وابسته به اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی انجمن شعر و ادب است نه انجمن ادب و هنر استان بوشهر و معلوم نیست نسیم جنوب به چه استنادی مدعی می‌شود انجمن شعر و ادب شهرستان بوشهر، انجمن ادب و هنر و انجمن شعر و قصه هم نامیده می‌شود! علاوه بر این انجمن شعر و ادب مربوط به شهرستان بوشهر است در حالیکه در اطلاعیه چاپ شده درنسیم جنوب انجمن ادب و هنر استان بوشهر قید نموده‌اند بنابراین طبیعی است که انجمن شعر و ادب بوشهر هر گونه انتساب اطلاعیه‌ای را با غیر عنوان مربوط به خود تکذیب کند.

متأسفانه نسیم جنوب در مقدمه فراخوانی به یک جنگ زرگری و جنجال‌آفرینی دیگر - چنانچه در جریانات قبل شاهد بوده‌ایم - اعلام کرده است که مراسم بزرگداشت به دلیل عدم همکاری مسئولان فرهنگی برگزار نشد. این برادران باید پاسخ دهند که:

اولاً: بر اساس کدام عرف و قانون اقدام به چاپ اطلاعیه‌ای جعلی به نام انجمن شعر و ادب بوشهر وابسته به اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی تحت عنوان انجمن ادب و هنر استان بوشهر نموده‌اند؟

ثانیاً: کدام عقل سلیم حکم می‌کند که بدون هماهنگی قبلی با مسئولان مربوطه نام سالن محل برگزاری مراسم را ذکر کنند؟ سالن کانون فرهنگی تربیتی امام خمینی (ره) وابسته به اداره آموزش و پرورش شهرستان بوشهر است. شما که نام این سالن را در اطلاعیه درج نموده‌اید با کدامیک از مسئولان ذیربط اعم از مدیر کانون یا رئیس آموزش و پرورش شهرستان یا مدیر کل آموزش و پرورش استان هماهنگی قبلی انجام داده‌اید؟ در کجای دنیا رسم است که اول نام مکان برگزاری مراسم را در مطبوعات اعلام کنند و بعد با صاحبان آن هماهنگی بعمل آورند. در این صورت اگر برگزار کننده مراسم به دلیل عدم هماهنگی قبلی با مسئولین ذیربط موفق به تعیین محل مناسبی برای اجرای مراسم نشده است آیا معنایش عدم همکاری و ممانعت است؟

ثالثاً: صورتجلسه انجمن شعر و ادب نشان می‌دهد که این انجمن در جهت احترام به یک نویسنده بومی قصد برگزاری مراسم یادبودی در وسع خود داشته است و حتی دبیر انجمن را نیز به نمایندگی برای مراجعه و هماهنگی با مسئولین ذیربط تعیین نموده است اما متأسفانه برخی که دوستیشان از نوع دوستی خاله خرسه است با اقدام شتابزده و صرفاً تبلیغاتی خود علاوه بر اینکه مانع انجام اینکار شدند باعث بی‌احترامی و هتک حرمت آن مرحوم هم گردیدند.

رابعاً: متن استعفای دبیر انجمن شعر و ادب بوشهر که رونوشت آن ضمیمه است حاکی از آن است که این استعفا به دلیل مشکلات شخصی بوده و هیچ ربطی به عدم برگزاری مراسم مزبور نداشته است.

انشاءالله با توجه به موارد بالا، آن هفته نامه از این پس در روند جنجال‌آفرینی خود تجدید نظر اساسی نموده و بجای ایجاد فضای مسموم و تفرقه‌افکنانه در جهت همدلی و وفاق گام بردارد.

انجمن شعر و ادب شهرستان بوشهر - صیدالی

توضیح نسیم جنوب

با سپاس از آن اداره کل و انجمن‌شعر و ادب جهت جوابیهٔ ارسالی، نظر آن عزیزان و خوانندگان گرامی را به نکاتی چند جلب می‌کنیم:

۱ - متن نامه فرستاده شده توسط اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی با مطالب مطروحه در نامهٔ انجمن شعر و ادب همخوانی ندارد، چراکه در نامه آن اداره جوابیه، در خصوص «عدم همکاری مسئولین فرهنگی و ارشادی استان» ارسال گردیده، درحالیکه در نامه رئیس انجمن اکثر مطالب، مربوط به درج اطلاعیه انجمن در خصوص بزرگداشت مرحوم چوبک در نسیم جنوب می‌باشد.

۲ - گویا باب شده است که هر کس جوابی می‌فرستد، آنرا بایستی مزین به تهمت و توهین نیز نماید، ولی اینکار از رئیس انجمنی که نام مقدس ادب و هنر را بدنبال دارد، توقع نمی‌رود. زدن تهمتهایی به نسیم جنوب همانند «فراخوانی به یک جنگ زرگری و جنجال آفرینی دیگر»، «ایجاد فضای مسموم تفرقه افکنانه» و ... نشان از عصبانیتی بی‌جهت و از سر عجز دارد و از یک انجمن ادبی - هنری انتظار می‌رود که در نوشته‌های خود ادب قلم و حرمت خوانندگان خود را نگهدارد.

۳ - در روز یکشنبه مورخ ۷۷/۴/۲۱ یکی از اعضای انجمن ادب و هنر (آقای شریف) ضمن تماس با نشریه خواستار درج اطلاعیه‌ای در خصوص بزرگداشت مراسم صادق چوبک گردید. به دنبال این درخواست، نسیم جنوب اقدام به درج آگهی فوق نمود، از قرار معلوم این تصمیم قبلاً توسط اعضای انجمن گرفته شده و همانطور که در نامه فرستاده شده نیز ذکر گردیده در روز بعد مکتوب گردیده است و از آنجا که متن مکتوب شده بر **تصمیم قبلی اعضاء صحه گذاشته و آنرا تأیید** می‌نماید بنابراین اعتراض رئیس انجمن فوق جای تعجب دارد و باید پرسید که وی به چه چیزی اعتراض می‌نماید؟ و چنانچه اختلافی در این خصوص در داخل انجمن بوده، این هفته نامه بی‌تقصیر است. اما اینطور که به نظر می‌رسد سایر اعضا نیز از تصمیم فوق کاملاً مطلع بوده‌اند چرا که در روز پنجشنبه مورخ ۷۷/۴/۱۸ دو نفر از اعضای انجمن (آقایان زنگوئی و شریف) در رابطه با برگزاری مجلس بزرگداشت چوبک با مدیر کل ارشاد ملاقات می‌نمایند، و به گفتهٔ ایشان **خود جناب مدیر کل پیشنهاد می‌نمایند** که این مراسم از طرف انجمن شعر و ادب برگزار شود. شنبه (۷۷/۴/۲۰) نیز آقای شریف با ارسال نامه‌ای به مدیر کل فرهنگ و ارشاد وی را در جریان برگزاری این مراسم می‌گذارد.

و اما در رابطه با چگونگی درج اسم این انجمن، گناهی بر گردن نسیم جنوب نیست چرا که این اسم عیناً از طرف اعضاء به نشریه داده شده بود و اگر اشتباهی نیز رخ داده از طرف خود اعضاء می‌باشد. از طرف دیگر نخستین صورتجلسه هئیت مدیره اعضاء این انجمن نیز، تحت عنوان **«نخستین صورتجلسه هیئت مدیره اعضاء انجمن شعر و ادب استان بوشهر»** در تاریخ ۷۷/۴/۲۲ به امضاء رئیس و ۵ نفر دیگر از اعضای هیئت مدیره انجمن رسیده است و جالب این است که این صورتجلسه تحت همین عنوان توسط **معاونت فرهنگی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی بوشهر نیز تأیید گردیده** و امضاء ایشان نیز در زیر صورتجلسه موجود می‌باشد. بنابراین بهتر این است که اول برای خود آقایان و اداره کل ارشاد، نام این انجمن مشخص گردد و بعد گریبان دیگران را بگیرند. در ضمن در همین صورتجلسه مقرر گردیده که آقای شریف (دبیر انجمن) بعنوان نماینده انجمن که قبلاً پیگیر کارها بوده در خصوص محل برگزاری با اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی و اداره کل آموزش و پرورش مذاکره نمایند. چنانچه مشخص است دراین صورتجلسه هیچ صحبتی از زمان برگزاری مراسم بزرگداشت نیست و این نشان می‌دهد که اعضاء جلسه، زمان و مکان ذکر شده در اطلاعیه چاپ شده در نسیم جنوب را قبول داشته و از اینرو است که برای هماهنگی با اداره کل [illegible]زش و پرورش (ونه اداره‌ای دیگر) نماینده معرفی می‌نمایند. و از آنجا که با استناد به نامه ارسالی از طرف انجمن، در هنگام جلسه هیئت مدیره، نسیم جنوب منتشر شده بوده است، عدم اعتراض آنان به چاپ این اطلاعیه، نشان از **پذیرش این اطلاعیه** از سوی اعضای هیئت مدیره آن انجمن دارد.

۴ - در باب اعتراض به اینکه چرا اعلام نموده‌ایم که «مراسم بزرگداشت چوبک به دلیل عدم همکاری مسئولان فرهنگی و ارشادی استان برگزار نشد» بهتر این بود که کسانی که از مزایا و امکانات مادی و معنوی این مسئولیتها بهره‌مند هستند، خود اقدام به جواب دادن می‌نمودند و نه اینکه رئیس یک انجمن مردمی به نیابت از مسئولان مذکور، عهده‌دار اینکار گردد. از آنجا که جواب دادن به خبر درج شده در این خصوص بر عهده وی نبوده و آنان نیز الحمدلله با دارا بودن وسایل ارتباط جمعی و امکانات بسیار، خود برای جواب دادن مشکلی ندارند، هفته نامه نسیم جنوب موظف به چاپ این قسمت از نامه فرستاده شده نبود، چرا که هیچ تعرضی در این خصوص به انجمن نرفته که آنها اینک بخواهند به جواب دادن برخیزند، اما به حرمت نام انجمن که به شعر و ادب آراسته است این قسمت از نامه را نیز چاپ نمودیم و از سر خیرخواهی نصیحت می‌نمائیم کسانی که از سوی عده‌ای از شاعران و ادیبان بعنوان نماینده انتخاب گردیده‌اند، حرمت انجمن را حفظ کنند و از اعتماد اعضاء سوء استفاده ننمایند و به سخنگوئی برای ادارات و مسئولین فرهنگی و ارشادی مبدل نشوند و بجای پرداختن به اصل موضوع، برای در حاشیه قرار دادن اصل به مسائل فرعی نپردازند و اینگونه از سوال نمودن از مسئولی برنیافروزند، بلکه از بی حرمتی به ادیب و نویسنده‌ای برآشوبند و البته بدانند که در این ادارات کسانی هستند که وظیفه دفاع از اداره متبوعه خود و مسئولین آن و... را عهده دارند و هوشیار باشند که حامیان نویسندگان و ادبا اندکند، و آنان بایستی هم و غم خود را برای زدودن گرد و غبار مظلومیت از چهره اینان بکار گیرند. اگر قرار باشد که وجه مردمی بودن و مستقل بودن انجمنی اینگونه به آسانی نادیده گرفته شود، دیگر چه جای شعار مشارکت مردم در امور فرهنگی است؟! اما از باب آگاهی خوانندگان باید خاطر نشان ساخت که در رابطه با گرفتن سالن، با مدیر کل آموزش و پرورش هماهنگی شده بود و قرار نیست که با تک تک افراد هماهنگی گردد که این نیز البته خود کارگزارانی در آن اداره دارد و تازه عقل سلیم می‌گوید که این وظیفه آگهی دهنده است که برای گرفتن سالن هماهنگی کند، نه وظیفه نشریه که موظف به چاپ آگهی است.

۵ - در رابطه با دلیل استعفای دبیر انجمن نیز، دلیلی که آورده‌اند به نظر می‌رسد که از باب خالی نبودن عریضه است و در این موارد معمول است، چرا که وی تنها ۳ روز پس از انتخاب شدن به این سمت و در روزی که از برپائی مراسم بزرگداشت جلوگیری بعمل آمد، استعفا داده است و بعید است که در عرض این ۳ روز مشکلات شخصی وی را مجبور به استعفا کرده باشد. البته اظهارات خود وی در خصوص این استعفا از هر سخنی گویاتر است.

۶ - در پایان باید به دوستان اداره فرهنگ و ارشاد و رئیس انجمن شعر و ادب تذکر داد که در نوشتن و فرستادن نامه‌ها دقت بیشتری کنند، چراکه اولاً آقای خلف‌پور صاحب امتیاز این نشریه هستند و نه مدیر مسئول، و ثانیاً من‌بعد ضمایم نامه‌ها را هم ارسال کنند و نه همانند اینبار فقط درمتن صحبتی از ضمایم باشد و به همراه‌نامه چیزی فرستاده نشده باشد، و ثالثاً که ۲۴ ساعت قبل از صبح دوشنبه، می‌شود صبح یکشنبه نه به نوشته این نامه عصر یکشنبه، و رابعاً بهتر این است که از این به بعد خود انجمن شعر و ادب بوشهر مستقیماً به مکاتبه بپردازد نه با اجازه و نامه دیگران.

گفتگو با مهندس سید مرتضی نبوی

مدیر مسئول روزنامه رسالت و از فعالین جناح راست و تشکل‌های همسو

تشنجهائی که در سطح جامعه تحت عنوان توسعه سیاسی ایجاد می‌شود، به نفع دولت نیست.

آشنائی خوانندگان نسیم جنوب با نظرات، اهداف و برنامه‌های افراد و گروههای سیاسی و فرهنگی موجود در جامعه از جمله وظایفی است که این هفته نامه در راستای شفاف نمودن فضای سیاسی و فرهنگی کنونی، برای خوانندگان، خود را ملزم به انجام آن می‌داند، در همین زمینه نسیم جنوب تاکنون مصاحبه‌هائی را با افراد سیاسی و فرهنگی همانند: عبدالله نوری (وزیر وقت کشور)، دکتر سید محمد مهدی جعفری (مبارز، محقق و اندیشمند بوشهری)، بورقانی (معاون مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، تاج‌زاده (معاون سیاسی، اجتماعی وزارت کشور)، دکتر مهاجرانی (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی)، دکتر آقاجری (نظریه‌پرداز و عضو هسته مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی)، داد (معاون سینمائی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، محجوب (دبیرکل خانه کارگر)، موسوی لاری (معاون وقت رئیس جمهور) و ... انجام داده است. این هفته نیز با یکی دیگر از چهره‌های سیاسی مصاحبه‌ای انجام گرفته است که دراین صفحه می‌خوانید.

□ آقای مرتضی نبوی، به نظر شما پیام اصلی دوم خرداد چه بود؟

● پیام اصلی دوم خرداد اعتماد مردم به نظام جمهوری اسلامی و اینکه می‌خواست در وضعیت موجود تغییراتی حاصل شود مثل اینکه فشارهای اقتصادی کم شود، قانون پیاده شود در کشور بی‌عدالتی و بی‌انضباطی اقتصادی و مالی نباشد.

□ فکر می‌کنید چرا مردم در انتخابات ریاست جمهوری، اقبال عمومی‌تری نسبت به آقای خاتمی نشان دادند؟

● اینکه ایشان در صحنهٔ سیاسی کشور مسئولیت نداشتند، نه اینکه هیچ مسئولیتی نداشتند ولی مثل سایرین، مانند آقای ناطق نبودند که رئیس مجلس باشند. و مردم به دلیل اینکه می‌خواستند تغییر وضعیت دهند گفتند که شخصیت جدیدی را انتخاب کنیم که نسبت به وضع موجود تغییر حاصل شود. چون تصور می‌کردند که حالا، درست یا نادرست را نمی‌خواهم بگویم، ولی تصورشان این بود که آقای ناطق ادامه دهندهٔ همان راه آقای هاشمی است.

□ نظر شما در رابطه با عملکرد صدا و سیما در ایام انتخابات ریاست جمهوری چیست؟

● اتفاقاً نظر من این است که صدا و سیما بسیار نقش داشت در اینکه آقای خاتمی رأی بیاورند، بخاطر برنامه‌های متعددی که گذاشت. کاندیداها چه از طریق تلویزیون و چه از طریق رادیو و بخشهای مختلف و مردم هم از همین طریق آشنا شدند با کاندیدها و یکی را ترجیح دادند.

□ به نظر شما بزرگترین مشکل مجلس با رئیس جمهور چیست؟

● مجلس با رئیس جمهور مشکلی ندارد.

□ عبرتهایی که جناح راست از انتخابات گرفت چه بود؟

● عبرت گرفتیم که باید ارتباط نزدیکتری با مردم داشته باشیم، بیشتر از پیش بتوانیم موضعمان را برای مردم تبیین کنیم، بخصوص با جوانها.

□ عده‌ای معتقدند که روزنامه «رسالت» در انتخابات به جای تبلیغ به تخریب پرداخت؟ در صورت درست بودن این حرف، آیا این امر دلیلی بر این مدعا نیست که شما کم آورده بودید؟

● البته من نمی‌خواهم بگویم که ما هیچ اشتباهی در جریان انتخابات نکردیم و همهٔ آنچه را که انجام دادیم، درست بود، بنای ما براین نبود که تخریب انجام بگیرد. اگر بخواهیم مقایسه‌ای انجام دهیم، می‌شود با اجزاء و با مستندات گفت که تخریب چقدر در جناح مقابل بیشتر بوده است. مثال روشنی می‌زنم، یکی از شایعاتی که خیلی رویش کار شده بود و در سطح وسیع پخش شد، ایجاد شبهه در ذهن مردم بود که می‌خواهند تقلب در انتخابات انجام دهند و این جملهٔ طنزگونه را بر سر زبانها انداختند که «فارسی را پاس بداریم، بنویسیم خاتمی، بخوانیم ناطق». خوب، آیا این کار تخریبی نیست؟ این شایعه به اضافهٔ شایعات دیگری که بصورت گسترده پخش شد (آیا شما یک کار تخریبی محسوب نمی‌کنید؟) به هر حال گذشته‌ها گذشته. امیدوارم آنهائیکه اهل تحقیق هستند، به نشریات آن زمان مراجعه کنند و مثلاً دو روزنامهٔ سلام و رسالت را با هم مقایسه کنند، آن وقت هر چه قضاوت کردند، ما هم قبول داریم.

□ در محافل سیاسی اینگونه بحث می‌شود که هنوز جناح راست و رقیبان آقای خاتمی در انتخابات، رأی ۲۰ میلیونی مردم به آقای خاتمی را باور ندارند و در روزنامهٔ خود بهانه‌های مختلف به منتخب مردم می‌گیرند؟

● بیست میلیون رأی مردم را کاملاً قبول داریم. هر انسان عاقلی وقتی پذیرفت که در یک جامعه بر اساس رأی مردم عمل کند و نهادها شکل بگیرد، به پیامدهای آن نیز پایبند است. ما حتی فراتر از پذیرش این آراء بیست میلیونی نیز عمل می‌کنیم و می‌گوئیم که ما وظیفه شرعی خود می‌دانیم دولت فعلی را کمک کنیم تا بتواند هر چه زودتر مشکلات مردم را حل کند. ما از کسانی هستیم که پیشقدم شده‌ایم و عنوان می‌کنیم این تشنجهائی که در سطح جامعه تحت عنوان توسعه سیاسی ایجاد می‌شود، به نفع دولت نیست، امروز علیه شورای نگهبان تظاهرات می‌گذارید، فردا علیه صدا و سیما، پس فردا بر علیه قوهٔ قضائیه وفردای دیگر علیه مجلس جوسازی می‌کنید. خلاصه هر چیز غیر از دولت مورد پرخاش و تحت فشار قرار می‌گیرد. اینکه این مطلب را القاء کنیم که چون مجلس و قوهٔ قضائیه و صداوسیما با آقای خاتمی نیستند پس اینها نمی‌توانند برای مردم کاری صورت دهند، این روش صحیحی نیست.

□ به نظر می‌رسد که شما شیوهٔ بخصوصی را در رابطه با انتقاد از دولت و رئیس جمهور انتخاب کرده‌اید، در این رابطه توضیح دهید.

● یکی از حقوقی که مسئولین کشور بر گردن همهٔ ما دارند این است که آنها را نصیحت کنیم و وظیفهٔ ما از سر خیرخواهی تذکر به مسئولین است. علی (ع) به صراحت مردم را دعوت می‌کند که با من مثل پادشاهان رفتار نکنید، مسائل را به من بازگو کنید و لذا اگر نقدی هم داریم و مطرح می‌کنیم، از باب این است که احساس می‌کنیم عمل اشتباهی صورت گرفته و لذا تذکر می‌دهیم تا اصلاح شود. از اینرو این ایرادهای بنی‌اسرائیلی نیست اما متأسفانه بعضی از کسانی که شعار اصلی خودشان را «آزادی» قرار داده‌اند، به محض اینکه انتقادی از دولت می‌بینند، آنرا تخریب دولت و یا حرکت شبه کودتا و چیزهائی شبیه این قلمداد می‌کنند. بطور مشخص، بنده نطقی در مجلس داشتم که نقدی بر سیاست خارجی بود و تذکری بود نسبت به مراوداتی که از طرف امریکائیها انجام می‌شود، بلافاصله بعد از آن بعضی از مطبوعات گفتند این مرتضی نبوی حرکتی شبیه کودتا راه انداخته، برای دولت تشنج آفرینی می‌کند و قس علیهذا. از کسانیکه به شدت شعار طرفداری از «آزادی» سر می‌دهند، بعید بود که با این انتقاد ساده این چنین برخورد کنند.

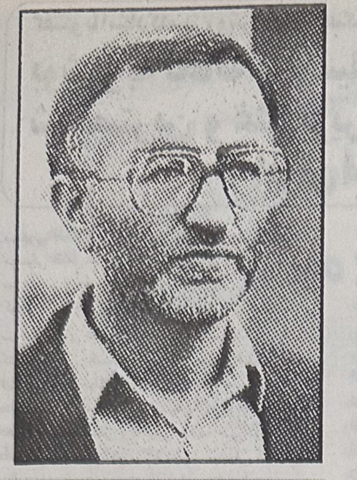
□ آقای نبوی، جناح راست متهم به انحصارطلبی است، نظر شما در رابطه با انحصارطلبی چیست؟

● بنده هم انحصارطلبی را محکوم می‌کنم. اما آیا صرفاً مارک انحصار طلب بودن را بر پیشانی دیگران چسباندن کفایت می‌کند ویا اینکه آدم در عمل هم نباید انحصارطلب باشد؟ شما بیائید مقایسه‌ای بین وزارت کشور امروز و وزارت کشور زمان آقای هاشمی انجام دهید، در آن زمان استانداران مهمترین استانهای کشور معروف بود که از جناح چپ هستند، شما اصفهان را در نظر بگیرید، آقای جهانگیری بودند که الان وزیر معادن و فلزات هستند. آقای عبدالعلی‌زاده استاندار آذربایجان بودند که اینک وزیر مسکن می‌باشند و همین طور مقایسه کنید... یعنی آقای بشارتی که خیلی همت کرده بود تازه تلاشش به اینجا رسیده بود که بطور مساوی از دو جناح در استانداریها استفاده کند. اما امروز مشاهده می‌کنید نه فقط استاندار، نه فقط فرماندار که حتی بخشدارها و آبدارچی‌ها (البته این را از سر مزاح می‌گویم) را هم عوض می‌کنند و می‌گویند هر آن کسی که در انتخابات ریاست جمهوری جزء ستاد انتخاباتی آقای خاتمی نبوده، نباید سرکار باشد. خوب، اینها را با هم مقایسه کنید. صرف شعار انحصار طلبی دادن کفایت نمی‌کند بلکه باید در عمل هم پایبند بود. من هم می‌گویم انحصارطلبی بد است، اتفاقاً در تمام دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی که ایشان در عین حال از اعضای جامعه روحانیت مبارز هم بودند، هیچ گونه انحصارطلبی انجام نشد و بخلاف ادعائی که می‌شود دولت در انحصار جناح راست نبوده است. بسیاری از همکاران آقای مهندس موسوی در دولت آقای هاشمی بودند و شما دیدید که عمدهٔ کسانی که در آن دولت سرکار بودند، جمعی از کارگزاران سازندگی را تشکیل دادند و این عده رفتند و از آقای خاتمی پشتیبانی کردند. پس انحصارطلبی بد است اما اینطوری نیست که اگر این جناح دنبال انحصارطلبی بود، بد باشد و اگر آن یکی جناح بود، بد نباشد. الان شما می‌بینید در دستگاهای مختلف با این بهانه که پیام دوم خرداد را درک نکردید و برخلاف شعار شایسته سالاری و بخلاف شعار فراجناحی عمل کردن و برخلاف شعار عدم انحصارطلبی دارند مدیریتها را در رده‌های مختلف جابجا می‌کنند و کشور را از تجربیات زیاد مدیران قبلی محروم می‌سازند.

□ یکی از شعارهای اصلی آقای خاتمی در انتخابات ایجاد «جامعه مدنی» بود. نظر شما در مورد جامعه مدنی مطرح شده از طرف ایشان، چیست و آیا این حرف در کشور و جامعهٔ امروز ما واقعیت دارد یا نه؟ و نظر شما در مورد آزادی‌های مطرح شده از طرف ایشان چیست؟

● ببینید، یکی از شعارهائی که جناب آقای خاتمی مطرح کردند و الان هم بر روی آن تأکید دارند، مفهوم «جامعه مدنی» است، ولی وقتی ایشان این واژه را بکار بردند، منظور خودشان را از آن بیان نکردند. یک عده از کسانیکه داعیهٔ طرفداری از ایشان را داشتند، این واژه را تعبیر کردند به جامعهٔ مدنی‌ای که در غرب مطرح است و شروع کردند شاخصهای جامعهٔ مدنی غربی را توضیح دادند. بعضی از نشریات مثل روزنامهٔ ما هم سؤالاتی را که حول و حوش جامعهٔ مدنی برایشان بوجود آمده بود، مطرح ساختند و جویای آن بودند که ریاست محترم جمهور آن جامعهٔ مدنی که مد نظرشان است، چیست؟ من می‌خواهم عرض کنم آن زمان که آقای خاتمی به نمایشگاه مطبوعات آمده بودند، به غرفهٔ روزنامهٔ رسالت هم سرزدند و وقتی نویسندهٔ مقاله مذکور در آنجا به ایشان معرفی شد، آقای خاتمی از وی تشکر کردند که مقالات عالمانه‌ای نوشته‌اند و توصیه کردند که بصورت جزوه‌ای منتشر شود. ایشان بعد از طرح این سؤالات در روزنامه در کنفرانس کشورهای اسلامی توضیح دادند که جامعهٔ مدنی مورد نظر من ریشه در مدینةالنبی دارد. بعد از این توضیحات یک عده ترش کردند و گفتند که این حرف اصولاً درست نیست و جامعهٔ مدنی با مدینةالنبی قابل جمع نیست، حتی افرادی مثل آقای محقق داماد که خود نیز یک فرد روحانی است، چنین حرفهائی زدند. البته یک عده هم سعی کردند که بگویند مشخصات جامعهٔ مدنی غربی در مدینةالنبی هم هست. در هر حال به نظر می‌آید لازم است کسی که این واژه را مطرح کرده، توضیحات بیشتری بدهد و شاخصه‌ها را بیان کند تا منظور روشن شود چرا که آن چیزی که که از ظاهر ترکیب جامعهٔ مدنی برمی‌آید در حقیقت جامعهٔ مدنی از نوع غربی آن می‌باشد. اما در مورد «آزادی»، باز ایشان توضیحات نسبتاً مفصلی را در سخنرانی دوم خرداد در دانشگاه مطرح کردند. مجموعهٔ صحبتهای خوبی بود و سعی کردند که بگویند «آزادی» مساوی هرج و مرج نیست، «آزادی» نباید مخل مبانی اسلام باشد و نباید حقوق عمومی را نادیده بگیرد. باز ایشان توضیح دادند که روشنفکران ما باید متوجه باشند در زمانی ما «آزادی» را مطرح می‌کنیم که در دنیا علیه ما فوق‌العاده کار انجام می‌شود و ایشان با این بیان خود آرائی راکه تئوری «توهم توطئه» را مطرح می‌کنند، رد کردند

و بعد گفتند که روشنفکران باید توجه داشته باشند که می‌خواهند از «آزادی» در چه فضائی استفاده کنند و عنایت داشته باشند که این «آزادی» نباید تهدید کنندهٔ ارزشهای مورد قبول جامعهٔ ما باشد، این توضیحات بسیار خوبی بود که ایشان راجع به «آزدی» دادند. البته ایشان راجع به «آزادی» بحثی را مطرح کردند که جای سؤال دارد و هنوز در ذهن خود من این سؤال باقی است که انشاءالله در فرصتی حالا چه حضوری و چه از طریق روزنامه از ایشان بایستی بپرسیم و آن سؤال این است: ایشان در بیاناتشان



سید مرتضی نبوی، مدیر مسئول روزنامه رسالت را باید یکی از فعالترین و موثرترین اعضاء جناح راست و تشکل‌های همسو دانست. وی در اوائل انقلاب به عضویت سپاه پاسداران درآمد، در سالهای ۶۴-۶۰ به عنوان وزیر پست و تلگراف و تلفن مشغول بکار گردید، از آن زمان تاکنون در سمت مدیر مسئولی روزنامه رسالت، بعنوان یکی از نظریه‌پردازان اصلی جناح راست مطرح می‌باشد. وی در دوره چهارم و پنجم مجلس شورای اسلامی نیز بعنوان نماینده مردم حضور یافته است.

عبارتی را آوردند و گفتند که اگر دین در مقابل آزادی قرار گیرد یا عدالت در مقابل آزادی قرار بگیرد، این هر دو محکوم به شکست هستند؟ اینجا این سؤال پیش می‌آید که این «آزادی» تعریفش چیست؟ و از کجا آمده؟ این «آزادی» با چه تعریف و با کدام مبدأ آنچنان قدرتمند ست که اگر دین و عدالت در برابرش قرار بگیرند، نابود می‌شوند؟ این را انشاءالله ایشان باید بیشتر توضیح بدهند. بله، این حرف را می‌گویند «پوپر» در پاسخ کسی که مدعی اجرای عدالت در بلوک شرق سابق شده بود ایراد کرده و البته این حرف درستی است چرا که در شرق تعریف از عدالت را پائین آورده بودند به عدالت اقتصادی و آن هم به معنی مساوات در (بهره‌مندیهای) اقتصادی گرفته بودند و این اصلاً عدالت نبود که کمونیستها می‌خواستند برقرار کنند. دین هم اگر دین تحریف شدهٔ کلیسا باشد، بله آن هم اگر بخواهد در مقابل آزادیهایی که خدا به انسان داده قرار بگیرد، محکوم به شکست است. پس این دین تحریف شدهٔ کلیسا و آن عدالت تحریف شدهٔ کمونیستی هستند که اگر بخواهند در برابر آزادی قرار بگیرند، محکوم به شکست هستند ولی ما به عنوان دین اسلام مجموعه‌ای داریم که برای خودش تعریفی از آزادی دارد و حدی برای آزادی قائل است. اینجا «آزادی» اصل مستقلی نیست که بتواند در برابر «دین» قرار بگیرد و لذا به این ترتیب نمی‌توانیم با زدن عینک «آزادی» به چشممان سراغ دین اسلام برویم.

□ به نظر شمامشکل جناح راست چیست؟ به نظر عده‌ای این جناح هنوز نمی‌خواهد بداند که جامعه تغییر کرده است؟

● خوب، جناح راست مثل سایر جناحها مشکلات زیادی دارد و دراین تردیدی نیست. چه جناح طرفدار روحانیت مبارز و چه طرفدار روحانیون مبارز هر دو باید از انتخابات دوم خرداد و هم از انتخابات ظاهراً بیست و دوم اسفند عبرت بگیرند. اینطوری نیست که مردم در دوم خرداد به جناح خاصی رأی دادند و این آن چیزی بود که فکر می‌کنم خود ریاست جمهور روی آن تأکید کردند و در حقیقت در دوم خرداد مردم جناب آقای خاتمی را بر کاندیداهای دیگر ترجیح دادند و برگزیدند. اما همین مردم در انتخابات میان دوره‌ای مجلس و بطور مثال در اصفهان علیرغم اینکه روی کاندیدای مورد نظرجناح چپ فراوان تبلیغ شد، به آقای دکتر کامران که کاندید جناح راست بود، رأی دادند. از اینرو هر دو جناح باید عبرت گرفته و رابطه‌شان را با مردم اصلاح کنند و ثابت کنند که مخلص مردم هستند.

□ با توجه به تفاوت دیدگاههای اقتصادی جناح کارگزاران و مجمع روحانیون مبارز و با توجه به اینکه هر دو جناح از طرفداران آقای خاتمی هستند، به نظر شما این اختلاف دیدگاه آیا مشکلی برای دولت بوجود خواهد آورد؟

● این مسئله واقعاً وجود دارد که در زمان ریاست جمهوری آقای هاشمی، مجمع روحانیون مبارز شدیداً با سیاستهای اقتصادی دولت مخالفت می‌کردند که این سیاستها عمدتاً توسط جمعیت کارگزاران انجام می‌شد. ولی در جریان انتخابات ائتلاف انجام گرفت و به نظر می‌آید که هنوز این اختلاف دیدگاه تا حدی وجود داشته باشد. امیدواریم که طی بحثهایشان به اتفاق نظر برسند ولی آن که شنیده شده این است که در مورد طرح ساماندهی اقتصادی، وزارت اقتصاد و دارائی یک طرحی تهیه کرده و سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی یک طرح دیگری تهیه کرده‌اند که قاعدتاً ریاست جمهوری هر دوی این طرحها را بررسی کرده و امیدواریم که در زمینهٔ مسائل اقتصادی همهٔ جناحها به اتفاق نظر برسند و مشکلات کشور حل شود. این را هم من خدمتتان عرض کنم که در مجمع تشخیص مصلحت در حال حاضر سیاستهای کلی کشور و منجمله سیاستهای اقتصادی دارد بررسی می‌شود که واقعاً جایگاه یک چنین مجمعی خالی بود، برای اینکه دیگر کشورها یک سیاستهای کلی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی دارند که بر اساس آنها هر یک از سه قوه وظایف خود را دانسته و در آن چارچوب حرکت می‌کنند. در قانون اساسی ما این وظایف بر دوش رهبری است و رهبری بعد از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت، سیاستهای کلی کشور را تدوین و سپس ابلاغ می‌کنند.

محرومیتهای استان بوشهر و اجرای برنامه‌های اول و دوم توسعه

● داریوش رزمی
دانشجوی رشته علوم اقتصاد - خورموج

آنچه که در این نوشته می‌آید نقدی است مختصر بر آنچه که تحت عنوان برنامه‌های «توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» از سال ۱۳۶۸ یعنی تقریباً همزمان با آغاز ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی در کشور و در سطح استان بوشهر اجرا شد و اثرات آن بر روند توسعهٔ استان و به نوعی بیان محرومیتهای استان بوشهر در رابطه با اجرای برنامه‌های توسعه.

در آغاز سخن توجه خوانندگان هفته نامه نسیم جنوب را به گفته‌ای از استاد شهید مرتضی مطهری جلب می‌نمایم با این مضمون که: «همهٔ انسانها را در همهٔ زمانها و مکانها نسبت به یک مسئله نمی‌توان جاهل نگهداشت».

آقای درخشنده‌رو رئیس سابق دیوان محاسبات در مصاحبه‌ای* به مطلب بسیار مهمی اشاره نموده و آن مسئله «تمرکز زدائی» در اجرای برنامه‌های توسعه بوده که حتی دو درصد آن نیز تحقق نیافته است. استانی شدن درآمدها یکی از موارد تمرکز زدایی است که مطابق برنامه عمل نگردیده است. در حال حاضر کسب درآمد غیرمتمرکز است و در خود استانها انجام می‌شود، ولی پس دادن و هزینه کردن آن متمرکز است و توسط دولت در مرکز انجام می‌شود لذا در این زمینه تبعیضهای زیادی را شاهدیم که بی‌تفاوتی را دربی خواهد داشت. وقتی درآمدهای یک استان در استان دیگر هزینه می‌شود چه انگیزه‌ای برای کسب درآمد باقی می‌ماند؟ در برنامه پیش بینی شده بود که «درآمدهای یک استان، استانی وصول شوند و استانی هم هزینه شوند، نه این که استانی وصول شوند اما دولت در مرکز آن را هزینه کند». بیان این مطلب آن هم از سوی کسی که چهار سال در رأس دیوان محاسبات بعنوان یک مسئول ناظر، حضور داشته، خود به واقعیتی تلخ و دردناک اشاره دارد. واقعیتی که در عدم رعایت همین اصل به ظاهر ساده یعنی تمرکززدائی جلوه گر شده و باعث گردید، که استانهای بسیاری از جمله استان بوشهر از آنچه که تحت عنوان حقوق حقهٔ شهروندان و حقوق حقهٔ منطقه‌ای از آن یاد می‌شود محروم بمانند. این در حالی است که ذخائر گستردهٔ گاز و حتی نفت و منابع معدنی موجود در استان حکایت از درآمدهای سرشاری می‌نماید که مطابق مدارک موجود در برنامه باید در خود استان هزینه می‌شد. یعنی درآمد ۸/۵۰۰/۰۰۰ تومانی در صورت اخذ یک ریال از هر متر مکعب گاز و آن هم بصورت روزانه.

محرومیت استان بوشهر در برنامهٔ توسعهٔ اول و دوم تنها به استرداد حقوق حقه استان و آن هم بصورت قانونی محدود نمی‌گردد، بلکه محروم شدن مردم استان در استفاده از منابع خدادادی گاز بصورت لوله‌کشی (اعم از مصارف صنعتی و خانگی) یکی دیگر از وجوه عدم استرداد این حقوق قانونی است. در حالی که استان بوشهر و مردم نجیب و قانع، به هیچ آن، گرمای طاقت‌فرسای جنوب را بدون کمترین امکانات تحمل نموده و به دلیل سطح پائین آموزش و بهداشت، با خط فقر آشنائی دیرینه دارند، در همان حال از راه دور و در نگین‌نامه‌ها و جعبهٔ جادوئی شاهد افتتاح راه‌آهن سرخس و اتصال به جادهٔ ابریشم، افتتاح راه‌آهن کرمان - بندرعباس و نیز افتتاح پالایشگاه و مجتمع‌های صنعتی درگوشه و کنار مملکت در طی سالها هستند و در یک کلام در حالیکه هم‌استانیهای ما اشک محرومیت را با پارچهٔ صبر و نجابت پاک می‌نمایند، درهمان زمانها امکانات تفریحی مضاعف به دیگر نقاط صاحب دار داده می‌شود و این یعنی بی توجه‌ای به محرومیتهای خیلی از هموطنان. از این مسائل که بگذریم مواردی وجود داشته که «یک وزیر به همراه رئیس جمهوری سابق، طرحی را درجلسهٔ دو نفره به تصویب می‌رساندند و بدون آنکه منابع تأمین هزینه‌های آن پیش‌بینی شود، آن را به اجرا می‌گذاشتند و در مواردی نیز هنوزمشکلات ناشی از این تصمیمات گریبانگیر مسئولان اجرائی کنونی است.

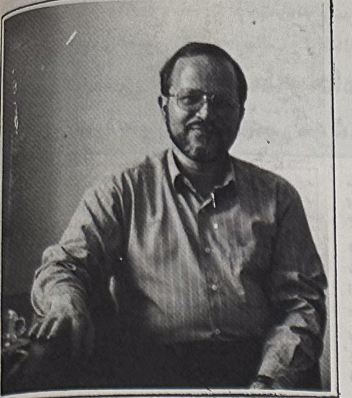
به عنوان مثال طرح احداث مجتمع آلومینیوم المهدی به گفتهٔ نماینده زاهدان در مجلس شورای سلامی، در جلسهٔ دو نفرهٔ وزیر سابق معدن و فلزات و رئیس جمهوری سابق اتخاذ شد. سؤالی که در اینجا پیش روی هر انسان منطقی قرار می‌گیرد آن است که چرا در جلسه‌های دو نفره و چرا بدون حضور کارشناسان و چرا نابسامانیهائی اینگونه. و یک کلام اینکه «هزینه اشتباهات مدیریتی» را چه کسی باید پرداخت نماید؟ مردم یا وجدانهای مسبب؟

اما بخش کشاورزی که به عنوان مهمترین بخش برنامهٔ اول و دوم توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انتخاب گردید. این بخش بر اساس محورهای سیزده گانه‌ای تنظیم شد که یکی از این محورها تأکید بر توانمندیهای منطقه‌ای یا به عبارت بهتر مزیت نسبی منطقه‌ای در بخش کشاورزی بوده است. حال اگر از منظر مزیتهای نسبی منطقه‌ای به بخش کشاورزی استان بوشهر دقت شود، تولید خرما بعنوان مهمترین تولید کشاورزی و به عبارت بهتر به عنوان مزیت نسبی استان مطرح است. اما همین محصول با بی‌مهری فراوانی روبرو شده بطوری که «از چهار میلیون اصله نخل استان بوشهر فقط ۴ هزار تن محصول به کارخانه‌های بسته‌بندی فرستاده می‌شود». که حتی همین خرمای بسته بندی شده نیز به دلایلی چند از جمله «مقررات تازه ارزی و طرز روش سپردن تعهدنامه ارزی و مدت زمان بازگشت ارز و درصد استفاده از ارز حاصل از صادرات و نرخ‌گذاری و کرایهٔ حمل و نقل و نرخ ارز» نتوانسته‌اند از لحاظ صادرات جایگاه مناسبی ولو اندک پیدا کنند و اگر هم صادر شوند هر کیلو ۶۰ سنت یعنی زیر یک دلار به فروش می‌رسد. اماپایان کلام و اینکه برنامه‌های توسعه برای مردم استان بوشهر چیزی‌جز هیاهو و تبلیغ و آن هم از راه دور نبوده است و اگر طرحی و یا احیاناً طرحهائی افتتاح شده است یا حاصل روند گذشت زمان بوده و یا اینکه آثار مترتب بر اینگونه برنامه‌ها اگر چه در سطح استان به اجراگذاشته شده منتها کمترین بهره را برای استان داشته است، مانند پالایشگاه ولیعصر (عج) کنگان. امید آنکه استان بوشهر هم به اندازهٔ منطقه ویژه اقتصادی سیرجان که بیش از صدها کیلومتر از بندر آزاد فاصله دارد و منطقهٔ ارگ‌بم که در دل بیابان واقع است مورد عنایت والطاف مسئولین قرارگیرد. بعون ا... و فضله

* مصاحبهٔ هفته نامه ارزشها با علیرضا درخشنده‌رو رئیس سابق دیوان محاسبات - شماره‌های ۷۵ و ۷۶

گفتگو با استاد کامبیز روشن روان آهنگساز بوشهری‌الاصل برجستهٔ کشور

بوشهر به لحاظ موسیقی صاحب یکی از شاختصرین و غنی‌ترین انواع موسیقی در ایران است.



استاد کامبیز روشن روان آهنگساز برجستهٔ کشور، دارای اصلیتی بوشهری است. برخی از آهنگهای ساخته شده توسط وی، بی شک از شاهکارهای موسیقی ایران است. برای آشنائی بیشتر خوانندگان نسیم جنوب، بااین آهنگساز پرآوازه کشورمان، با وی مصاحبه‌ای انجام داده‌ایم که در زیر می آید. لازم می‌دانیم که از زحمات هنرمندعزیزمان، آقای محمداسماعیل روشن‌روان که ما را در تهیه این مصاحبه یاری نمودند کمال تشکر را بنمائیم.

□ آقای روشن‌روان ، برای اینکه بوشهری‌ها بیشتر با شما آشنا شوند، در شروع مصاحبه لطفاً مختصری از بیوگرافی خود رابرای ما بگوئید.

● متولد ۱۹ خرداد سال ۱۳۲۸ شمسی در تهران هستم و در خانواده‌ای که پدرم بوشهری و مادرم مشهدی بود، پرورش یافتم.از کلاس ششم ابتدائی با تشویق آقای مصطفی کسروی (آهنگساز) و تأیید خانواده وارد هنرستان عالی موسیقی شدم و سال بعد وارد هنرستان عالی موسیقی ملی گردیده و از بدو ورود دو ساز تخصصی سنتور و فلوت را انتخاب و تا پایان تحصیلات هنرستانی ادامه دادم. به این ترتیب با دو فرهنگ سنتور و فلوت (ایرانی - جهانی) آشنا شدم. پس از پایان دوره هنرستان وارد گروه موسیقی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شدم و پس از اخذ درجه لیسانس موسیقی با گرایش آهنگسازی وطی خدمت زیرپرچم برای ادامه تحصیلات به کشور امریکا رفته و در دانشگاه جنوب کالیفرنیا به تحصیل رشته آهنگسازی مشغول شدم. در بدو ورودم به ایران به تدریس در گروه موسیقی دانشگاه تهران پرداخته و از سال ۱۳۶۱ به عنوان هیئت علمی وارد دانشکده صدا و سیماشدم و تا امروز همچنان در این دانشکده مشغول کار بوده‌ام. از لحظه فارغ‌التحصیلی از هنرستان موسیقی (۱۳۴۶) به تدریس دروس تخصصی موسیقی در هنرستانها و دانشکده‌های موسیقی مشغول بوده‌ام که در این میان ۲۷ سال تدریس دانشگاهی و ۳۱ سال تدریس هنرستانی کارنامه آموزشی مرا تشکیل می‌دهد. در زمینه آهنگسازی جوایز متعدد داخلی و خارجی بدست آورده‌ام و آثار منتشر شده‌ام در خارج از رادیو و تلویزیونها پخش و در برخی کشورها روی صحنه اجرا می‌شوند. علاوه بر فعالیتهای آموزشی و آهنگسازی، عضو شورای عالی برنامه‌ریزی و نظارت بر هنرستانهای هنری، عضو شورای عالی موسیقی مرکز سرود و آهنگهای انقلابی و رئیس شورای مرکزی کانون موسیقیدانان سینمای ایران می‌باشم.

□ در موسیقی ایران شما به عنوان یکی از پرکارترین موسیقیدانان شناخته می‌شوید، بفرمائید که تاکنون چه آثاری را ارائه نموده‌اید و در حال حاضر مشغول انجام چه کارهایی هستید؟

● آثاری که تاکنون ساخته‌ام شامل ۸۵ موسیقی متن فیلم، سریال تلویزیونی، فیلمهای انیمیشن، مستند کودکان، تعدادی نوار موسیقی از جمله یادگار دوست، ساقی‌نامه، نهانخانهٔ دل، آئینه در آئینه، اسب سرخ خورشید و آثار موسیقی سمفونیک از جمله جمعه خونین، انقلاب و سمفونی فلک‌الافلاک و نیز آثاری در زمینه آموزش موسیقی شامل آشنائی با دستگاههای موسیقی ایران، سازشناسی و ارکستراسیون موسیقی ایرانی. در موسیقی کودک آثاری چون پسرک چشم آبی، اتل متل توتوله، آوای مدرسه، صدای شاعر، فصل ایثار. در زمینه کتاب تألیف کتابهائی چون تکنیکهای اجرایی موسیقی فیلم، موسیقی فیلم در ایران، موسیقی در نمایش ، هارمونی کاربردی و سازشناسی و ارکستراسیون موسیقی ایرانی. علاوه بر اینها دهها مقاله تخصصی و تحلیلی، تألیف جزوات آموزشی دانشگاهی، تهیه و اجرای ۵۶ برنامه موسیقی فیلم، ۲۶ برنامه موسیقی در سینمای انیمیشن و ۵ برنامه موسیقی محلی خراسان بزرگ (خراسان ایران، افغانستان، تاجیکستان) که فکر می‌کنم به زودی از طریق نوار کاست عرضه خواهد شد.

□ در ادامه مصاحبه ، لطفاً تعریف مختصری از موسیقی رااارائه نمائید.

● برای موسیقی تعریفهای متعدد شده، از جمله «هنر انتقال عواطف و احساسات، از طریق صداها» یا «علم برقراری ارتباط عاطفی و احساسی از طریق صداها و ریتمها». در هر صورت موسیقی به عنوان اولین هنر شناخته شده بشری، از دو عامل صدا و ریتم تشکیل می‌شود که همواره با خلاقیت ذهنی به هنری ماندگار تبدیل می‌شود.

□ لطفاً در مورد موسیقی بدون کلام نیز توضیحی بفرمائید، ومعمولاً موسیقی‌بدون کلام به چند صورت عرضه می‌گردد؟

● موسیقی بدون کلام یکی از شاخه‌های اصلی موسیقی است که به دو صورت توصیفی یا مجرد و مطلق می‌تواند عرضه گردد. بخش اعظم موسیقی بدون کلام به صورت انتزاعی و مطلق است که حاوی داستان یا سوژه خاصی نیست و لذا هر کس برداشت متفاوت و معینی از آن آثار به دست می‌آورد. ولی در موسیقی بدون کلام توصیفی که حاوی پیام مشخص و دارای موضوع و یا داستان است، شنونده معمولی موسیقی چنانچه موضوع یا داستانی را که موسیقی بر اساس آن شناخته شده بداند، بهتر می‌تواند با موسیقی ارتباط برقرار نموده و از آن لذت ببرد.

□ به نظر شما ویژگیهای یک موسیقدان برجسته چیست؟

● یک موسیقیدان برجسته فردی است متخصص با معلومات و دانش کافی در رشته تخصصی خود، او هنرمندی است با ذهنی خلاق و آزاد اندیش که از محیط پیرامون خود تاثیر می‌پذیرد. هنرمندی است مردم دوست با روحی بلند و ایمانی راسخ و قلبی مملو از محبت و عشق. او انسانی است متفکر، صبور، مهربان، خوش‌خلق و پایبند به نظم و قول و قرار. در یک جمله، موسیقیدان برجسته یک انسان است. چه به قول زنده یاد حسین تهرانی «اول باید انسان بود و بعد موسیقیدان».

□ نظرتان در مورد موسیقی بعد از انقلاب و تولیداتی که عرضه شده است، چیست؟

● شکی نیست که فعالیتهای موسیقی در سالهای پس از انقلاب اسلامی و خصوصاً در چند سال اخیر به شدت افزایش پیداکرده و تولیدات موسیقی در شاخه‌های مختلف وگوناگون رشد چشمگیری داشته است، ولی به دلیل تعداد بسیار اندک موسیقیدانان متخصص، با تجربه و با دانش آکادمیک موسیقی و اینکه تربیت افراد متخصص در رشته‌های مختلف موسیقی با اشکال و موانعی همراه بوده و تربیت موسیقیدانان متخصص همپای نیاز روزافزون جامعه به موسیقی و موسیقیدان تحقق پیدا نکرده، لذا تولیدات موسیقی که عمدتاً توسط افراد آماتور و علاقمند به موسیقی ساخته و اجرا می‌شوند از کیفیت هنری قابل قبولی برخوردار نیستند.

□ چگونه می‌توان در مناطقی همانند بوشهر، فرهنگ موسیقی راگسترش داد ؟

● بوشهر به لحاظ موسیقی صاحب یکی از شاختصرین و غنی‌ترین انواع موسیقی در مناطق مختلف ایران است. برای ارتقاء بخشیدن به کیفیت تولیدات و اجرای آثار موسیقی در بوشهر، لازم است علاقمندان به موسیقی و خانواده‌ها فرزندان مستعد خود را از طفولیت با این هنر متعالی و انسانساز آشنا نموده و زمینه را برای تحصیل جدی و آکادمیک موسیقی برای فرزندان خود مهیا نمایند. امید است با تأسیس هنرستان موسیقی در بوشهر زمینه لازم برای پرورش و تربیت موسیقیدانان برجسته بوشهری در آینده به وجود آید.

□ به نظر شما تأسیس هنرستان موسیقی تا چه حد می‌تواند در استانهایی مانند بوشهر تأثیرگذار باشد؟

● غنای موسیقی بوشهر و سرزندگی و شادابی و تحرک آن باعث گردیده تا موسیقی بوشهر به عنوان یکی از جذاب‌ترین و پرشنونده‌ترین موسیقیهای مناطق ایران درآید. این موسیقی جا دارد تا بصورت جامع مورد بررسی کارشناسانه قرار بگیرد و برای عرضهٔ هر چه بهتر آن احتیاج مبرم به نوازندگان و خوانندگان مبرز احساس می‌شود. از این رو تأسیس هنرستان موسیقی در استان بوشهر یک ضرورت انکار ناپذیر است. باید به خاطر داشت که تأسیس هنرستان موسیقی نیازمند هنرمندان و مدرسین باتجربه و کارآزموده است تا بتوانند دروس عملی و نظری موسیقی را آموزش دهند که این مهم حتی در تهران با کمبود مواجه است. ولی این کمبود نباید مانع جدی در تأسیس هنرستان موسیقی بوجود آورد. بلکه با برنامه‌ریزی کوتاه مدت و بلند مدت می‌توان این مشکل را مرتفع نمود تا نسل آیندهٔ موسیقی بوشهر در محیطی مساعد و توسط استادان فن تربیت شوند.

□ در پایان چه توصیه‌هائی برای علاقمندان به فراگیری هنر موسیقی دارید؟

● به علاقمندان توصیه می‌کنم فراگیری را از طفولیت آغاز کنند و در انتخاب استاد دقت لازم مبذول دارند. ولی این بدان معنی نیست که فراگیری موسیقی در نوجوانی یا میانسالی فایده ندارد. بلکه می‌توان گفت پرداختن به موسیقی در هر سن و سالی ممکن و سودمند است و سن زیاد مانعی برای فراگیری این هنر نیست. موسیقی زیبا و پرتحرک و غنی بوشهر را به عنوان میراث گرانبهای فرهنگی پاس بدارید و در حفظ، گسترش، آموزش و عرضه هر چه بهتر آن کوشا باشید.

به امید دیدار دوباره خاک پاک بوشهر و ملاقات مردم خونگرم، بامحبت، عاشق و دریادل آن دیار.

بَسته پستی بی‌نشان

● حسین دهقانی

از ملک ادب حکم‌گذاران همه رفتند
رو بار سفر بند که یاران همه رفتند

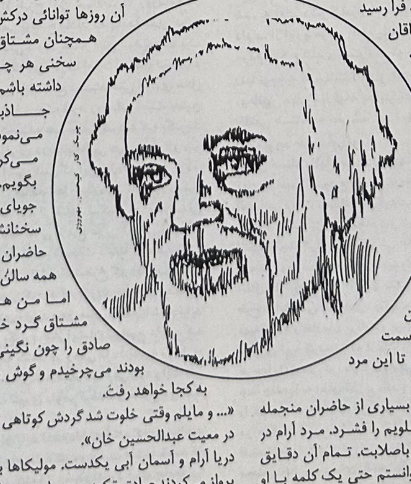
دههٔ چهل را به جرأت می‌توان سالهای حرکت و پویائی در جنبش ادبی ایران دانست. در این ایام پربار و باشکوه شاعران و نویسندگان و هنرمندان بزرگی ظهور کردند که فضای فرهنگی ایران را مثل موج گرم و فزاینده در برگرفتند و پایه‌گذار بدعتهای نوین در عرصهٔ ادب و هنر این مرز و بوم شدند. بزرگانی همچون آتشی، شاملو، اخوان، سپهری، چوبک، دولت‌آبادی، بیضائی، مهرجوئی، انتظامی و هنرمندان بزرگ دیگری که مجال نیست تا همه در این سطور کوتاه از آنان یاد شود.

از میان بی‌شمار مردان ادب نامی صادق چوبک چون اختر تابناک می‌درخشید. هرچند این همشهری بزرگ نقاب بر خاک غمناک کشید، اما نام و آثار گرانبهایش همیشه مانا و جاویدان خواهد بود.

اواسط دهه چهل همانطور که فضای ادب به همت این بزرگان عطرآگین بود به همان نسبت هم نسل جوان و مشتاق زاده شد، عاشقانی که در شبهای شعر و نمایش از ارکان اصلی سالنها بودند و مبارزه را در همین کانونها آموختند. آن سالها در دبیرستان سعادت که مهد کهن فرهنگ بود و به قولی دارالفنون دوم، درس و مشق می‌کردیم و تشنهٔ آموختن بودیم و به راستی می‌بالیدیم که این خطه مردانی دارد نام‌آور که مثل مهره‌های اصلی شطرنج بر پهنهٔ این سرزمین جولان می‌دهند و از میان این مهره‌ها اسب صادق چوبک ورزیده و قبراقتر از دیگران می‌تاخت. در کنار این همه تفاخر دبیرانی داشتیم ادب دوست اهل کتاب و کتابت، بحث و مجادله، دانا و خردمند که تمام وجود خود را در طبق اخلاص گذاشته بودند و به ما که تشنهٔ شناخت بودیم خالصانه افاضه می کردند.

همانها بودند که چوبکها را به ما معرفی کردند و کتاب و کتابخوانی را به ما آموختند. زمستان اواسط چهل بود که این خبر مثل بمب در میان ادب دوستان بوشهری صدا کرد: «هفته آینده دبیرستان سعادت پذیرای نویسنده بزرگ ایران آقای صادق چوبک خواهد بود». این اطلاعیه کوتاه در بولتن مدرسه سعادت چنان شور و شوقی در ما بوجود آورد که سر از پا نمی‌شناختیم. مشتاق دیدار چوبک بودم. مردی بازمانده از نسل داستان نویسی نوین ایران.

ستاد استقبال تشکیل و سالن نمایش آن زمان که سجاف دبیرستان قرار داشت آماده ورود صادق چوبک شد. سالن با ظرفیت دویست نفری کفی از الوار، سنی کوچک و نقلی و پردهٔ قرمز رنگ که محل ارکسترای آن همیشه برای ما شگفت‌انگیز بود (بعدها این سالن ویران شد و چه حیف). صندلیهای فلزی دسته‌دار از همه جا جمع‌آوری شد، تریبون چوبی و بلندگوی قدیمی نصب گردید. روز موعود فرا رسید و سالن نمایش مملو از مشتاقان ادب شد. چندان نپائید که ولوله و جنب و جوش در خیل دبیران دیده شد و دقایقی بعد مردی میانسال و کوتاه قد با صورتی پر و پوستی شفاف، ریش سفید پروفسوری، موهای بلند و عینکی فلزی و کلاه بره‌ای تیره، عصا زنان درحالیکه کت بلند خاکستری رنگی به تن داشت سلانه سلانه وارد سالن نمایش شد. گردن مشتاقان به سمت او چرخید و همه نیم خیز شدند تا این مرد پرآوازهٔ ادبیات را ببینند.



آن روز اشک شوق در چشمان بسیاری از حاضران منجمله بندهٔ حقیر حلقه زد و بغض گلویم را فشرد. مرد آرام در جایگاهش قرار گرفت، متین و باصلابت. تمام آن دقایق می‌اندیشیدم که ای کاش می‌توانستم حتی یک کلمه با او حرف بزنم. آدمها را یکی یکی از سر راه کنار زدم و خودم را جلو می‌کشیدم که صادق را ببینم برای لحظه‌ای به او خیره شدم، صادق آرام چرخید و لبخندی بر لبهایش نشست و دوباره به نقطه مقابلش خیره شد. یکی از دبیران پشت تریبون قرار گرفت و ضمن خیر مقدم و قدردانی از خدمات ادبی و کتابهای چوبک سخنانی ایراد نمود و از ایشان دعوت کرد جهت آشنائی بیشتر مشتاقان پشت تریبون بیاید و گپی بزند.او خیلی آرام و با متانت آغاز سخن کرد. کلامش مثل موج گرم در رگهایم دوید. از زادگاهش گفت، از آثارش و ازگذشتهٔ شهرش با همان لهجهٔ بوشهری. خیلی حرفهای دیگر هم گفت که من آن روزها توانائی درکش را نداشتم امّا همچنان مشتاق بودم که با او سخنی هر چند کوتاه و گذرا داشته باشم. در او و کلامش جاذبه‌ای احساس می‌نمودم که مرا وادار می‌کرد با او سخن بگویم. نوجوان بودم و جویای نام. ساعتی بعد سخنانش با دست زدن حاضران پایان یافت و همه سالن را ترک کردند. اما من همچنان سمج و مشتاق گرد خیل دبیران که صادق را چون نگینی درمیان گرفته بودند می‌چرخیدم و گوش بزنگ که چوبک به کجا خواهد رفت.

«... و مایلم وقتی خلوت شد گردش کوتاهی کنار ساحل بزنم در معیت عبدالحسین خان».

دریا آرام و آسمان آبی یکدست. مولیکاها بر فراز امواج پرواز می‌کردند صادق تکیه بر عصای چوبی‌اش داده بود و به دریا نگاه می‌کرد. شاید در میان امواج به گذشته می‌اندیشید، بدنبال مطلبی جدید برای داستان آینده‌اش می‌گشت، یا شیرمحمد را می‌دید که هنوز شناکنان از ساحل دور می‌شد. هر چه بود چنان مسخ دریا شد که هیچ توجهی به اطرافش نداشت، حتی به دوستش که حالا دوآرنجش را روی سیمان ساحل زده بود و به پرواز پرندگان نگاه می‌کرد.

زمانی به همین شکل با دریا خلوت کرد و سپس برگشت و به دوست همراهش گفت:«دریا تنها جائی است که هر چه نگاهش می‌کنم سیر نمی‌شوم». و مرد به آرامی گفت: «براستی همینطور است. آهسته ... آهسته خودم را جلو کشیدم. حالا فاصله چندانی با صادق نداشتم و می توانستم به حلقه‌های نقره‌ای روی عصایش نگاه کنم. نگاهش را از مرد همراه گرفت و به سمت من گردش داد. با تعجب به من نگاه کرد. از خجالت کاملاً عرق کرده بودم، با دست پاچگی گفتم.

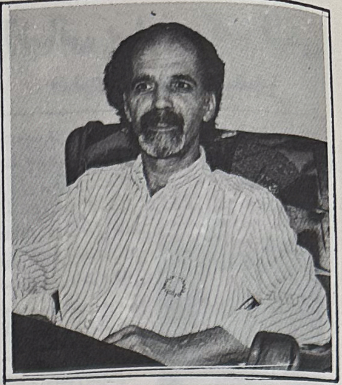
- سلام آقا.
- سلام، تو الان توی سالن نبودی.
- چرا آقا.
- تو کتاب هم می‌خوانی.
- بله آقا. کتاب شما را خوانده‌ام.
- کدام؟
- انتری که لوطیش مرده بود.
- آفرین.

دفتری قرمز رنگ از جیبش درآورد و تمام مشخصات مرا در دفتر بغلیش یادداشت کرد و دفتر را در جیب کتش گذاشت. سر از پا نمی‌شناختم و زمان مثل برق برایم می‌گذشت. هرگز نمی‌خواستم از این حالت بیرون بیایم. در همین افکار بودم که بوق اتومبیل سیاه رنگی مرا به خود آورد. صادق و همراهش پس از تکان دادن دست به سمت اتومبیل رفتند و در پشت راننده جای گرفتند. اتومبیل لحظه‌ای بعد در خم خیابان گم شد.

یک ماه را با همین افکار شیرین و پر خاطره گذراندم. ماجرا را برای همه دوستان و آشنایان تعریف کردم. تا اینکه در یک بعد از ظهر زمستانی دل انگیز مدیر دبیرستان مرا در محل دفتر احضار کرد و بسته‌ای را نشانم داد و گفت: «این بسته برای شما آمده.» با تعجب به کارتن چسب کاری شده نگاه کردم، هیچ نشانی از فرستنده نبود. تنها آدرس و مشخصات خودم را روی کارتن دیدم. به مدیر گفتم این کارتن ظاهراً بنام من است، اما چه کسی ارسال کرده و او اظهار بی‌اطلاعی کرد. کارتن را با تردید گشودم و با تعجب چهار جلد کتاب در آن دیدم. خیمه شب بازی، چراغ آخر، تنگسیر، انتری که لوطیش مرده بود.

گفتگو با هوشنگ گلشیری نویسنده و منتقد معاصر

چوبک داستانهایش را غریزی می‌نوشت



هوشنگ گلشیری یکی از منتقدین و داستان نویسان برجسته ایرانی است که خطی نو و مدرن در ادبیات داستان نویسی ایران را پایه گذاشته است. وی در سال ۱۳۱۶ در اصفهان به دنیا آمد. گلشیری اولین مجموعه داستانی‌اش را در سال ۱۳۴۷ با عنوان «مثل همیشه» منتشر کرد. درهمین سال بود که کتاب معروف «شازده احتجاب» از همین نویسنده منتشر شد. از دیگر کتابهای این نویسنده نوگرا می‌توان این عناوین را برشمرد: «کریستین وکید (۱۳۵۰)، نمازخانهٔ کوچک من (۱۳۵۴)، بره گمشده راعید (۱۳۵۶)، معصوم پنجم (۱۳۵۸)، جبهٔ خوانی (۱۳۶۲)، حدیث ماهیگیر و دیو (۱۳۶۳)، فیلمنامه دوازده رخ (۱۳۶۹)، آئینه‌های دردار (۱۳۷۱)، جنخانه (خارج از کشور)
در این شماره قسمت اول مصاحبه با هوشنگ گلشیری را درباره صادق چوبک می‌خوانیم.

□ نخستین آشنائی شما با آثار چوبک به چه سالهائی بازمی‌گردد و مطالعهٔ آثار او چه تأثیری بر شما گذاشت؟

● در آغاز جوانی و شروع مطالعه، یعنی سالهای ۳۶ به بعد، به صورت پراکنده آثار چوبک را می‌خواندم. مشخصاً یادم نمی‌آید که کی و کجا اولین آثار چوبک را خواندم. گمانم با برخوردی که با مجلات آن دوره داشتم، خصوصاً مجلاتی که قبل از سال ۱۳۳۲ منتشر شده بود، آشنایی با چوبک احتمالاً از آن طریق بود. مثل همه، حتی کسانی که معاصر بودند، مطالعهٔ نوشته‌های چوبک، برایم شوک‌آور بود نوشته‌هایی مثل «خیمه شب بازی» و غیره. اما در سالهای ۴۷_۴۶ که من داشتم رمان «شازده احتجاب» را می‌نوشتم، فکر کردم که باید تکلیف خودم را با چند نمونه‌ای که در ادب معاصر ایران داریم، معلوم کنم. به همین جهت مقاله «سی سال داستان نویسی» را نوشتم که در مورد «بوف کور» هدایت، «سنگ صبور» چوبک، و «ملکوت» بهرام صادقی در آنجا حرف زدم و بخاطر اینکه من هم داشتم همان تجربه‌ای را می‌کردم که آن سه نفر قبلاً کرده بودند، در آن مقاله حرفهایم را زدم.

اما در طول این مدت، یعنی از اواخر دههٔ چهل که مقالهٔ «سی سال داستان نویسی» را منتشر کردم گاه‌گداری بوده که مثلاً مسئله‌ای برایم مطرح می‌شده، داستانی مطرح می‌شده، رجوعی به آثار چوبک می‌کردم که ببینم این کار چطور است و آن کار چطور است. بعضی از آثار چوبک را هم به عنوان متن درسی، درس داده‌ام. یعنی در سالهایی که در دانشکدهٔ هنرهای زیبا، از ۵۲ تا ۵۷، و چه در سالهائی که در خانه‌ها درس داستان نویسی می‌داده‌ام، بعضی از متنهای چوبک را به عنوان نمونهٔ خاصی از ادبیات و داستان نویسی، برای دانشجویان و داستان نویسان جوان می‌خواندم و تحلیل می‌کردم.

□ میخ اصلی داستان نویسی مدرن در ادبیات معاصر فارسی را شما کوبیدید. پیش زمینهٔ کارهای شما هدایت، چوبک و صادقی است، کارهای چوبک تا چه اندازه بر شما و مدرنیسم شما تأثیرگذار بوده است و اساساً تحلیل شما از سبک کاری چوبک چیست؟

● **چوبک مسلط بر تکنیک داستان نویسی جهان نبود.** این یک حقیقتی است که باید آن را پذیرفت. در آغاز هم «غریزی» می‌نوشت. یعنی اگر ما داستان‌های خیلی قوی او را هم بیاوریم و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، می‌بینیم که از ساختمان و ساختار خیلی محکمی برخوردار نیست. اتفاقی که در کارهای چوبک افتاد، در سنگ صبور بود که در حقیقت در این رمان به مسائل مدرن داستان نویسی نزدیک شد و حتی می‌توان ریشه‌های پست مدرن را هم دید و از چشم او فضا را ببینیم. مقصودم این است که «راوی» را «احمدآقا» بگذاریم و از چشم او فضا را ببینیم. یا «سیف‌القلم»، داستان را از منظر خودش روایت کند، این روایت که داستان است از چند منظر که کاری است نو و بدیع در ادبیات معاصر ما. اما همین هم ابتدائی و ساده است که به تبع خشم و هیاهو نوشته شده است. اما کار دیگری که چوبک در سنگ صبور کرده، که به نظر من خیلی مدرن است و می‌شود ریشه‌های پست مدرن هم محسوب بشود، جائی است که «راوی» با «آسید ملوچ» حرف می‌زند، یا با سنگ صبورش حرف می‌زند. با عنکبوتش حرف می‌زند. و خودش در آن قسمتها انگار هم نویسنده کتاب است و هم راوی این فصل. این اشراف بر خود نوشتن، میزی که رویش می‌نویسم و قلمی که دستمان هست، به نظر من در چوبک جالب است. البته بهرام صادقی از قبل دارد و خیلی هم دارد. و غریب هم هست. یعنی آن همه نکاتی که در پست مدرنیسم مطرح می‌شود، ما ریشه‌هایش را می‌توانیم در کارهای بهرام صادقی ببینیم. برای آنکه صادقی به خود شکل نوشتن می‌اندیشید. مثلاً «شک» در مورد جمله، شک در مورد زبان، شک در مورد اینکه آنچه که می‌گویم وصف این فضا هست یا خیر؟

چوبک البته این اشراف بر ادبیات را ندارد و به نظر من مسئله چوبک بیشتر طرح یک «مقوله» است. طرح یک «مسئله» است تا جستجو بکند و ببیند که این موضوع را چطور می‌شود گفت. در داستانهای اولش هم معلوم است که مثلاً در مورد «نظرگاه» اطلاعی ندارد. ساده‌ترین مسئله که هر داستان نویس باید به آن دقت بکند. ما اگر مثلاً «نظرگاه» داستانی «انتری که لوطیش مرده بود» را در نظر بگیریم، می‌بینیم بخشی از داستان نظرگاه لوطی است و نزدیک به ذهن او، و بخشی نزدیک به ذهن انتر. چوبک هنگامی که این داستان را می‌نوشته متوجه این مسئله نبوده که بایک منظر و نظرگاه باید داستانش را روایت کند. یعنی می‌بایستی سراسر داستان را از منظر انتر می‌نوشت. اما چون چوبک تکنیک داستان نویسی را نمی‌دانسته، و بر تکنیک روایت داستان مسلط نبوده، در یک داستان کوتاه دوبار منظرش را عوض کرده.

در مورد تسلطش بر زبان فارسی نیز همین امر صادق است. مثلاً در آثارش می‌بینیم که بجای «مثله» می‌نویسد مثه. و این روشن می‌کند که او حتی دستور زبان فارسی هم بلد نیست. برای اینکه کافی است آخر حرف مثلاً کسره بگذاری و مثِ را نوشت.

این مشخص می‌کند او مقولات دستور زبان فارسی را نمی‌توانسته از هم جدا کند. از این اشتباهات کتابتی و دستوری خیلی زیاد دارد. اینها مشخص می‌کند غریزی نویس بودن چوبک را، خیلی از داستان نویسان ما غریزی نویس هستند. مثل غلامحسین ساعدی، اصلاً هم عیب نیست. البته یک جاهائی که می‌خواهیم کارهای تکنیکی بکنیم، اشکال ایجاد می‌شود، وگرنه، می‌توان داستان را نقل کرد و خوب هم نقل کرد و همه هم آنرا بپسندند. معمولاً خوانندگان متوجه قضیه هم نمی‌شوند اما در یک بررسی جدی که می‌خواهیم انجام دهیم، اشکال پیدا می‌شود. به عنوان نمونه، داستان کوتاه «چرا دریا طوفانی شد؟» وقتی داستان را شروع می‌کنیم، چند راننده نشسته‌اند و دارند با هم حرف می‌زنند. بعد همراه با کهزاد راه می‌افتیم به طرف بوشهر. کنار دریا. در این داستان نظرگاه اول کیست؟ نزدیک به راننده ما است. اما در ادامهٔ داستان ناگهان نظرگاه تغییر میکند. چرا؟ در یک داستان کوتاه چرا نظرگاه عوض شده است؟ به چه دلیلی؟ انگار ما دو بخش یک فیلم را داریم می‌بینیم که هیچ همخوانی با هم ندارند. از این نوع اشکالات فنی و تکنیکی درآثار چوبک بسیار زیاد است که تاکنون هیچ کس هم به آن اشاره‌ای نکرده و متعرضش نشده است، کسانیکه دربارهٔ کارهای چوبک مطلبی نوشته یا گفته‌اند اصلاً متوجه این اشکال نشده‌اند.

از خیلی از بزرگان که امروز اسمشان را می‌شنویم در آینده چیزی باقی نخواهد ماند، اما این مطمئن هستم تا زمانی که زبان فارسی هست چند کار از چوبک باقی می‌ماند.

اما من از همان آغاز متوجه شدم که کارهای چوبک چه اشکالات فنی دارد. **چوبک اصلاً «ادیب» به مفهوم اهل ادب بودن، نیست.** حتی در ترجمه‌هائی که کرده این ضعف معلوم است. مثلاً نوشته «آه انسان» پر از غلط است. پر از جمله‌های بی‌معنی است. چوبک آدمی نبود که بر ادب کهن مسلط باشد. چنین چیزی در او آشکار نیست.

درست است که بخشی از نامهٔ فرخزاد از شاهنامه را در آخر سنگ صبور گذاشته، اما هر کس می‌تواند این کار را بکند.

اما حال که عیبهای چوبک را گفتیم، بگذارید حسنهایش را هم بگوئیم.

چوبک چشم قوی دارد و دقت توصیف را می‌فهمید چیست. من نمی‌دانم او چقدر در مورد ناتورالیسم می‌دانسته و در مورد ناتورالیسم چه چیزهائی خوانده بود، **ولی به معنی دقیق «زولا»ئی ناتورالیست است و این برای من بهت‌آور است.** یعنی چوبک جبر زولائی را می‌پذیرد. برای انسان و حیوان یک سابقهٔ غریزی قائل است همانطور که امیل زولا است. با مسائل با دید شبهه علمی روبرو می‌شود، درست مثل پزشکی که بر بالین مریض باشد. اوج این قضیه در رمان سنگ صبور است. با چنان دقتی آدمهایش را توصیف می‌کند انگار با منقاش به سراغ پوست و گوشت او رفته است. برای من همیشه بهت‌آور بوده که با فقر فرهنگی و تکنیکی موجود در آثار چوبک ـ فرهنگ یعنی اشراف بر ادبیات ایران و جهان ـ او چگونه این همه خوب ناتورالیسم را می‌شناسد و اینقدر خوب توانسته تئوری‌های مکتب ناتورالیست را در داستانهایش پیاده کند، برگمان من او از اول تا آخر هم شیوه‌اش را عوض نکرد، یعنی مثلاً آمد ناتورالیسم را از شیوهٔ زولائی آن ـ می‌دانیدکه زولا به همان شیوهٔ بالزاکی می‌نوشت ـ منتها با دید دقیق‌تر و علمی‌تر، شروع کرد اما می‌خواهد با حفظ نگاه و سبک زولائی تکنیک خاگنر را هم داشته باشد.

مثلاً در رمان سنگ صبور، در جایی «بلقیس»، خوابیده. شما ببینید با چه دقتی وضعیت این زن را شرح می‌دهد: مشکل جنسی‌اش در گذشته، بیماری وحشتناکش، اینکه نمی‌تواند تکان بخورد و فلج است. یک خاطره که از نظر من تکنیکی خیلی مهم است، خونریزی بینی و ذهنیت خرافاتی بلقیس. اینکارها دقیقاً ناتورالیستی است و خیلی هم رنگین.

هدایت بر ادبیات ایران و جهان اشراف دارد اما چه اتفاقی افتاده که چوبک ندارد؟ برای من این امر عجیب است. من **فکر می‌کنم ادبیات جزء کار اصلی چوبک نبوده است، مسئله اصلی‌اش نبوده. یک استعداد درخشانی در او بوده که گاهی سرریز می‌کرده و می‌نوشته است.** بعد هم دیگر ننوشت. ادبیات و نوشتن، کار هر روز او نبوده، برای ادبیات جنگ و جدل نمی‌کرده، مقاله بنویسد، بحث بکند، جریان روشنفکری راه بیندازد. اصلاً این مسائل «مسئله‌اش» نبوده... **می‌توانیم فقط بگوئیم چوبک قصه‌گوی غریزی خوبی است** و داستان نویسی است که چهار، پنج تا کار خوب دارد و همین هم برای ادبیات ما غنیمت است. اینکه من می‌گویم «غنیمت» است، مقصودم این است که از خیلی از بزرگانی که امروز اسمشان را می‌شنویم در آینده هیچ چیز باقی نخواهد ماند **اما من مطمئن هستم تا زمانی که زبان فارسی هست چند کار از چوبک باقی می‌ماند و این مهم است.** اما اینکه گفتیم «ادیب» نیست، یکجا عیب است و جای دیگر حُسن.

چوبک به معنی دقیق «زولا»ئی ناتورالیست است و این برای من بهت آور است. یعنی چوبک جبر زولائی را می پذیرد.

حُسن است از این نظر که می‌نشیند داستانش را می‌نویسد و پرت وپلا می‌نویسد. مثل خیلی از ماها. عیب است از این نظر که شیوه‌های متفاوت بیان یک داستان را نمی‌داند. نمی‌داند داستانی را که به آن شیوه نوشته، به بیست شیوهٔ دیگر هم می‌توان نوشت. من این را با قاطعیت می‌گویم که چوبک این را نمی‌دانست زیرا همهٔ داستان‌هایش به یک شیوه نوشته‌است.

□ بالاخره نگفتید که چوبک چه تأثیری بر شما داشته است؟

● اما چه تأثیری چوبک بر من داشته، من فکر می‌کنم یک جاهائی آدم می‌تواند از چوبک استفاده کند، مثلاً جائی دقت چشمی احتیاج باشد و جائی که انطباق زبان باشخصیت باشد. در این مورد چوبک بهترین است. و بی‌رحمی در وصف لایه‌هایی از جامعه. چرک، جراحت در آثارش موج می‌زند. چوبک نظرش این است که به این پلشتیها نمی‌شود عطر زد و وارد داستانشان کرد. مثلاً اگر کسی فحش می‌دهد، چه کارش می‌شود کرد؟ کلمات خیلی زیبا در دهانش گذاشت؟ این حرفها را او در «سنگ صبور» خیلی خوب بیان کرده است. «احمدآقا» این مسائل را ذکر می‌کند، به عنوان سخنگوی چوبک.

از این نظر در داستانهای هدایت مقدار زیادی رمانتیسم حاکم است و چوبک می‌تواند از این نظر ما را از آن رمانتیسم نجات بدهد.

یک کوچه پائین‌تر از خورشید

● عباس اوجی فرد

از پنجره
نگاه می‌کنی شب را
و ستارگانی را که بالا نشسته‌اند
کسی آن بالا
اشاره می‌کند
به تو و بغضهای مرطوب زمین
و خیابانی خیس
که لمیده است
در روشنائی تیر برقها
سرایدار و کوچه‌های باز
و کفشهایی
که در پاگردها
غبار می‌خورد
چشمهایت
ستارگان را دور می‌زنند
آنگاه
آئینه‌ها و شمعدانی‌ها
در مقابلت می‌رقصند
و یک کوچه پائین‌تر از خورشید
یاسها
در حلول سایه‌های بنفش
و ملکوت پنجره‌ها
غسل می‌کنند

تماشای کوه از روزنه

بهجت بحرانی (وفاپور) - ارسالی از کشور قطر

مینگر ابعاد کوه از روزنه
سال و ماه و روزها در هر سنه
روزنه دارد حکایتها زکوه
پای برجا این مقام باشکوه
کوه و کوهستان برانگیز و طرب
بامداد و صبحگاه و عصر و شب
باد کهساری به هنگام وزش
می‌نوازد پاک بی‌پروا منش
بامدادان با طلوعش گام نه
تا که رخ پیدا شود در آئینه
آنچنان در آئینه یابی صفا
که شود مطرود رنج در خفا
چون سخن از آئینه گردد بیان
نیک و بد تندیس شد در دیدگان
کوه و روزن آئینه در پیش نه
می‌درخشد عالمت چون آئینه
در تجلی غوطه‌ور گردیده به
واژه‌ها مدّ نظر سنجیده به
این سخن نیکوتر از هر به بود
تا ثریا عمق ژرفش می‌رود
استقامت جوی ما کوه کهن
گفته است مباش محکم همچو من
بهجت و این پند حکمت بین او
کرد مستحکم چو کوه آئین او

ماه

● ابراهیم صداقت

غروب را می‌تاباند
بر روحم
پرستو را
بدستم
با غروب
شقایق را زمزمه خواهم کرد
با پرستو
کوچ

جواب به نامه‌های ارسالی

* بوشهر - شاهرخی - معلوم نیست که بعضی‌ها تاکی می‌خواهند با نسبت دادن تهمتهایی همانند «مزدوران، «منافقان» «لیبرالهای امریکایی صفت» و ... سعی در بیرون نمودن دیگران از صحنه نمایند، آنچه که مشخص است این است که زدن اینگونه تهمتها و توهینها، دیگر کمتر کسی را فریب می‌دهد. خواستیم نامه شما را چاپ نمائیم ولی به قدری تهمت و توهین و افترا در آن بود که اگر آنها راحذف نمائیم دیگر چیزی از نامه شما باقی نمی‌ماند. نمی‌دانیم چرا بعضی‌ها هنوز نمی‌خواهند بدانند که کشور، انقلاب و نظام تنها متعلق به عده‌ای که هنوز متأسفانه ادب سخن گفتن را نیز فرا نگرفته‌اند نیست و این عده اندک نیز تنها دلسوز و مدافع ارزشها نیستند. تهدیدات شما را نیز جدی نگرفتیم.

* بوشهر - رضا آذین - ضمن تشکر از لطف شما این حق را باید به افراد داد تا بتوانند افکار و عقاید خود را در قالب انتشار نشریات جدید عرضه نمایند، امیدواریم که با چاپ نشریات بر تعداد خوانندگان نیز اضافه گردد و امید است که انتشار نسیم جنوب نیز بر تعداد خوانندگان مطبوعات افزوده باشد. کم لطفی‌های موجود را نیز جز با اتکا به حق و شوق خدمت به فرهنگ و پشتگرمی خوانندگان نمی‌توان تحمل نمود که امیدواریم شامل حال ما شود.از لطف شما نیز سپاسگزاریم.

*بوشهر - آذین س.ب - مقاله شما شباهتهای زیادی با مقاله «بوشهریها بیگناهند» که در شماره قبل چاپ گردید، داشت. منتظر دیگر مقالات شما هستیم.

* دلوار - عبدالرحیم کارگر - مقاله «تأملی در جامعه مدنی» شما به دستمان رسید. متأسفانه حجم صفحات هفته نامه اندک و مطالب ارسالی بسیار است، از اینرو خواهشمندیم که نویسندگان عزیز مطالب خود را بطور خلاصه و حداکثر در دو صفحه A4 برای ما ارسال نمایند تا بتوان در اسرع وقت از آنها استفاده گردد. درهر صورت مقاله شما در نوبت چاپ گذاشته شد و انشاءالله به چاپ می‌رسد.

* تاکنون بیش از ۱۵ نامه و مقاله در جوابیه مطالب چاپ شده از آقای حاجیانی (نماینده دشتی، دیر و...)به دفتر هفته نامه رسیده است. ضمن تشکر از نویسندگان این مقالات و نامه‌ها از دیگر خوانندگان محترم هفته نامه تقاضا می‌شود که نظرات خود را در خصوص موضوعات و موارد مطرح شده در نشریه بصورت مستقل و بدون اینکه روی سخن با شخص خاصی باشد نوشته و به هفته نامه ارسال نمایند.

* دیر - ابراهیم خالدی - برادر عزیز، شما اگر اعتراضی به عملکرد نشریه دارید می‌توانید قانوناً اقدام نمائید و متأسفیم از اینکه توهینهای شما را به خودمان و اشخاص دیگر نمی‌توانیم چاپ نمائیم.اعتراضات شما را نیز البته بدون توهینهای نوشته شده، به مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی منتقل خواهیم نمود. متأسفانه با پیشنهاد شما هم که اسم هفته نامه را «تش باد سرخ» بگذاریم موافقت نشد.

نامه های زیر به دفتر هفته‌نامه رسید

اهرم - عبدالرسول شکوه / خورموج - درویش دهقان / کنگان - محمد صلواتی / بوشهر - عبدالرسول جمالی - موسی مرشدی / دیر - رضا بردستانی /گناوه - محمد مظفری / خورموج - داریوش رزمی / بوشهر - امیراسماعیل فرخی / بوشهر - ناصر تقوائی / خورموج - هادی خواجه / بوشهر - رمضان افشارپور ، یدالله استوار / سعدآباد - نصرالله بلوکی / بوشهر - عباس امیری - یعقوب پورنجف / شیراز - نگار کعبی / بوشهر - حسن غریبی، مریم.ج، حیدر حیدری/ خورموج - سیدمحمدرضا هاشمی‌زاده/ قزوین - عبدالمجید اجرائی/ خورموج - محمدرضا چمکوری/ اهرم - محمدی‌نیا / بوشهر - قاسم عبداللهی / گناوه - علی بردخونی/ بوشهر - فاطمه دهقانی - حیدری‌پور

کی رنج مزمن محرومیت گناوه درمان می‌شود؟

● مختار رستمی - گناوه

بندر گناوه از جهت جمعیت سومین شهر استان بوشهر است، فرزندان این دیار از میهن اسلامی از بااستوارترین فرزندان استان هستند و هرگاه زمینهٔ بروز استعداد و قابلیت برایشان فراهم شده، توانائی هایشان را به خوبی به منصهٔ ظهور رسانده‌اند (مانند مسابقات علمی، فرهنگی، هنری، ورزشی، قرآنی و ...). این خطه شهیدپرور با داشتن هوایی به مراتب مطلوبتر از دیگر بنادر استان و بهره‌مندی از زمینهای وسیع و حاصلخیز توان بلقوه قابل توجهی دارد که اگر پس از فروپاشی رژیم شوم ستمشاهی، با مدیریتی توانا و آینده‌نگر مورد عنایت قرار می‌گرفت، الان در ردیف پررونق‌ترین بنادر جنوب کشورمان جا داشت! ولی با کمال تأسف آنچه باید می‌کردند، نکردند، و نشد آنچه که باید می‌شد!!

اکنون به علت کم‌توجهی‌های گذشته، بالاخص نبود زمینه امرار معاش سالم و کافی، گناوه چون مریضی که در گوشهٔ بیمارستانی فاقد امکانات و مدیریت سپرده شده در رنجی جانکاه و مزمن دست و پا می‌زند! این در صورتی است که این شهرستان دارای کارنامه‌ای بسیار درخشان به ویژه در ۲۰ سال گذشتهٔ نظام مقدس اسلامی خصوصاً در دوران دفاع مقدس می‌باشد. ناگفته نماند که هیچ مؤمن منصفی، منکر خدمات عمران شهری از قبیل احداث خیابان، تعدادی اداره و مدرسه و ... در سنوات اخیر نبوده و نیست. ولی آیا صرف وجود این امکانات نه چندان کامل که از نیازهای ابتدائی مدنیت است، می‌تواند جوابگوی نیازهای اساسی مردم این شهر خصوصاً برای نسلهای جوان حال و آتی باشد؟ حرف اصلی بر سر این است که در این شهر قریب به ۶۰ هزار نفر که دو سوم آن را جوانان و نوجوانان تشکیل می‌دهند، چه کسی می‌تواند ادعا کند که حتی یک مرکز اقتصادی که بتواند ۱۰۰ نفر در آن مشغول به کار باشند وجود دارد؟

آیا امکانات بسیار ناچیز و رشدنایافته بندری گناوه می‌تواند برآورندهٔ نیاز بیش از حد مردم محروم این شهر باشد؟

با چنین وضعیتی هر شهروند گناوه‌ای به خود اجازه می‌دهد که بپرسد اکنون که ۹ سال از دوران سازندگی می‌گذرد چرا برای این شهر از سوی مسئولین محترم شهری، استانی و کشوری، چاره‌ای اندیشیده نشده و گامی اساسی برداشته نشده؟

از آنجا که بیکاری خود منشأ و مصدر تمام مفاسد، علی‌الخصوص برای نسلهای جوان است. پس اگر پاره‌ای از جوانان به علت بیکاری به سوی کژیها کشانده شوند و در دام باندهای سوداگران مرگ و ... گرفتار شوند مقصر کیست؟ خانواده‌های بی‌بضاعت؟ خود جوانان فریب‌خورده؟ یا مسئولین که به وظیفه شرعی، میهنی خود عمل نکرده‌اند؟ اگر کسی مدعی است که اوضاع اقتصادی گناوه آنچنانکه نگارنده مدعی است نمی‌باشد، محبت فرماید و مراکز امرار معاش سالم و مکفی را نشان دهد تا اینجانب دست مبارکش را بوسیده و از محضرش عذرخواهی نموده و مادام‌العمر دم فرو بندد. لذا حال که در سالهای گذشته، به هر دلیل مع‌الاسف در زمینهٔ مورد ادعا برای گناوه کاری نکرده‌اند!! برادران گرانقدری که به لطف الهی اینک فرصت ارائه خدمات به مردم شریف را یافته‌اند، فرصتها را کرامات خدایی دانسته و مغتنم شمارند تا مانند برادران بزرگوار پیشین کارنامهٔ مردودی از ولینعمتان خود نگیرند!! بنابراین مصرانه و ملتمسانه از کلیه دست‌اندرکاران ارجمند به ویژه بزرگوارانیکه درمرکز استان هستند درخواست می‌شود تا با همتی والا و عنایتی با رأفت و کرامت اسلامی به این شهرستان محروم توجهی همه جانبه مبذول دارند، باشد که به حول و قوهٔ الهی، ناکرده‌های پیشینیان جبران و مردم مسلمان، متعهد و شهیدپرور گناوه هم مانند مردم نقاط دیگر میهن اسلامی از شهد پیشرفت و سازندگی کامشان شیرینتر گردد. انشاءالله. و ما توفیقی الا باا... العلی العظیم

برق منطقه‌ای بوشهر و لاغیر

برق منطقه‌ای بوشهر را مستقل کنید

در پی چاپ مطلبی تحت عنوان اعتراض مردم دیلم به مدیر عامل شرکت سهامی توزیع برق استان بوشهر در شماره یک نشریه نسیم جنوب، برآن شدیم تا ضمن اظهار تشکر از نشریه نسیم جنوب در ارائه مشکلات این خطه و انعکاس آن به مسئولان محترم استان، اعلام همدردی خود را با مردم خوب استان همیشه محروم نگه داشته شدهٔ بوشهر، در خصوص برق به اطلاع برسانیم.

هم استانیهای گرامی، مردم گرما دیدهٔ دیلم، گناوه، کنگان، سعدآباد و ...، مشکل برق این استان کهن از تولد برق بوده، هست و خواهد بود.

درخواست نمودن، طومار نوشتن و ... به مدیریت محترم شرکت توزیع برق نیروی برق استان بوشهر!!! و دیگر واحدهای برق مستقر در استان بوشهر، مشکل برق مناطق مختلف استان را حل نمی‌کند. چرا که مقامات فوق الذکر اختیاری از خود ندارند و نمی‌توانند در مورد احداث تأسیسات برقی تصمیمی بگیرند، ایشان زحمتکشانی هستند که از سردمداران برق منطقه‌ای فارس دستور گرفته و اطاعت امر می‌نمایند، ایشان پُلی بین خواسته‌های به حق شما به مسئولان والامقام برق فارس می‌باشند. اگر خواهان رفع اساسی مشکل برق هستید از مقامات استان درخواست کنید تا برق بوشهر را از برق فارس جدا سازند تا تمام تصمیم‌گیری‌ها در هر مورد در این استان صورت گیرد. اما اگر خواهان رفع مشکل مقطعی برق هستید بهتر است از دولتمردان استان فارس یا از مدیران فارس درخواست کنید تا شاید دلشان به حال ما مردم بسوزرد (همانند سوختن وسائل برقیمان) و کاری انجام دهند.

«یکی‌ازکارکنان شرکت توزیع برق نیروی برق استان بوشهر»

اگر من شهردار بوشهر بودم

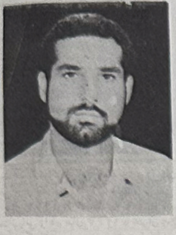
● ع.امیدی

چندی قبل در صفحات نسیم جنوب درج مطلبی با عنوان، اگر من شهردار بودم، توجه مرا به خود جلب نمود، که لازم دانستم مطلب را ادامه دهم تا شاید با تکرار آن مسئولین محترم به فکر افتاده و به داد مردم محروم بوشهر برسند. بدین لحاظ بر آن شدم من نیز از دید خود شهردار بودن را تجربه کنم. امیدوارم ضمن درج مطلب مذکور دیگر همشهریان عزیز به اظهار نظر بپردازند و مشکلات و موانع را از دید خود مطرح نمایند.

اگر من شهردار بودم اولین کاری که انجام می‌دادم محلی برای تفریحگاه همشهریانم درنظر می‌گرفتم تا لااقل در روزهای تعطیل از سردرگمی بیرون آیند، اگر شهردار بودم حاشیه ساحلی شهر را به بهترین نحو ممکن می‌آراستم، اگر شهردار بودم از مغازه‌دارها و کسبه شهر می‌خواستم باغچه کوچکی جلوی مغازه خودشان با مسئولیت خود برای زیبائی شهر و پیاده‌رو درست کنند، اگر شهردار بودم من نیز تمام خیابانهای پردست‌انداز را از نو آسفالت می‌کردم، اگر شهردار بودم کلیه کوچه‌های خاکی شهر را آسفالت می‌کردم، اگر شهردار بودم حداقل ماهی یکبار در خطبه‌های نماز جمعه، مردم را در جریان مشکلات و موانع سازندگی شهر قرار می‌دادم تا حداقل مردم نیز در جریان مشکلات قرار گیرند، اگر شهردار بودم جویهای آب را حداقل هفته‌ای یکبار سمپاشی می‌کردم تا همشهریانم در فصل گرما آزار و اذیت نشوند، اگر شهردار بودم حداقل هفته‌ای یکبار خیابانهای شهر را شستشو می‌دادم. اگر شهردار بودم دریا که تنها تفریحگاه مردم می‌باشد با ریختن فاضلاب شهری آلوده نمی‌کردم، اگر شهردار بودم با کاشتن گیاهان و درختان گرمسیری حداکثر تلاش را در جهت تعدیل آب و هوای شهر انجام می‌دادم و اگر شهردار بودم و با کمبود بودجه و اعتبار روبرو بودم ابتدا به اولویتهای مهمتر و اساسی‌تر که در بهتر شدن زندگی همشهریانم تأثیر بیشتری دارد توجه می‌کردم و درمرحله بعد به مسائل دیگری می‌پرداختم. راستی همشهری عزیز بوشهری اگر شما شهردار بودید چه می‌کردید؟

آشنائی با شرکت فنی خدماتی افق بوشهر

«شرکت فنی خدماتی افق بوشهر یکی از شرکتهای فعال و مطرح بوشهر می‌باشد برای آشنائی با شرکت‌های خدماتی و بیان برخی از مشکلات آنان گفتگویی با محمود دم‌سحری یکی از مدیران شرکت افق بوشهر انجام داده‌ایم.»



□ آقای دم‌سحری لطفاً برای آشنائی خوانندگان نسیم جنوب با شرکت افق بوشهر مختصری در مورد تأسیس و فعالیتهای عمده‌ای که تاکنون انجام داده‌اید توضیح بفرمائید؟

● این شرکت در اوائل سال ۱۳۵۷ با شراکت آقای رضا افراسیابی‌پور تأسیس شد. در ابتدا کار این شرکت باگرفتن چندین پست خدماتی در ادارهٔ کل بنادر و کشتیرانی استان بوشهر شروع شد و بعد از آن برای مدتی کارهای خدماتی ادارهٔ بندر خارگ و سپس نگهداری دکل مورب شرکت ملی نفت ایران (بوشهر و خارگ) حدود یک سال بعهده داشتیم و در سال گذشته از اردیبهشت تا مرداد کارهای خدماتی بیمارستان فاطمه زهراء (س) بوشهر را عهده‌دار بودیم و هم‌اکنون نیز در ادارهٔ کل بنادر و کشتیرانی و همینطور در ادارهٔ کل ثبت و اسناد استان بوشهر به کارهای خدماتی مشغول هستیم.

□ هدف و برنامهٔ شما از تأسیس این شرکت چه می‌باشد؟ و اصولاً چه نوع کارهای خدماتی را انجام می‌دهید؟

● ما با توجه به برنامه‌ریزی نظام در راستای خصوصی سازی بخش خدمات اداره‌جات دولتی بر خود تکلیف دانستیم گامی در این زمینه که خدمتی به مردم و دولت می‌باشد برداشته باشیم و با همین اهداف این شرکت را تأسیس کردیم. در همین خصوص خدماتی نظیر تأمین نیروی انسانی، نگهداری و تأسیسات، ترابری و تنظیف، ایجاد فضای سبز، تأمین مواد غذائی و سایر خدمات اداری دیگر را در برنامهٔ فعالیتهای خود قرار داده‌ایم.

□ با توجه به خصوصی بودن شرکت شما نظرتان در مورد برخورد اداره‌های دولتی بوشهر با شرکتهای خصوصی چیست؟

● اگر چه شرکتهای خصوصی کار خود را به نحو مطلوب و برابر مقررات قانون کار و قرارداد مربوطه انجام دهند، متقابلاً باید مساعدتهای لازم از طرف اداره‌های دولتی به عمل آید. ولی متأسفانه پس ازگذشت چندین سال هنوز اهمیت و نقش بخش خصوصی در جامعه کنونی به خوبی شناخته نشده است و همواره سعی بر تضعیف بخش حیاتی اقتصاد، از طرف بعضی از نهادهای دولتی می‌شود که البته باید گفت این مورد نسبت به سالهای گذشته تقریباً رو به بهبود است و امیدواریم که این مشکل نیز حل شود.

□ با تشکر و آرزوی موفقیت برای شما و پرسنل‌تان در پایان اگر صحبتی برای سایر همکارانتان در بخشهای خصوصی دارید بفرمائید.

● با توجه به اینکه همهٔ ما هدفمان خدمت به نظام مقدس جمهوری اسلامی و مردم شریفمان می‌باشد لذا امیدوارم که در کارهای خود همواره قوانین کار را مدّ نظر داشته باشیم و با رقابتی سالم سعی بر رضایت و جلب اعتماد مردم خصوصاً بخشهای دولتی در جهت بخشهای خصوصی خود داشته باشیم.

عمارت بلدیه را به موزه تبدیل کنید

● عبدالرحیم جعفری

هوالحق

جناب آقای استاندار محترم استان بوشهر

سلام علیکم شادروان امیرالبحر مستجیر سردار میرزا احمدخان دریابیگی حاکم بندر بوشهر که چندین کتاب از زبان فرانسه به زبان فارسی برگردانده و همچون جنابعالی دانشمند و اهل قلم بود بعد از بازگشت از سفر جنگی بندر لنگه که در آنجا اشغالگران و بیدادگران ماجراجو را که از آن سوی خلیج فارس به آن بندر هجوم برده و ظالمانه و بیرحمانه مورد تاخت و تاز و تصرف و اشغال خود درآورده بود قلع و قمع کرد و بیرون راند، عمارت اصیل سنتی تاریخی امیریه به وسیله بنّایان و استادکاران محلی بنا نهاد که تا امروز از باد و باران گزند نیافته است. سالها بلدیه بوشهر بود که سید حسین بلدیه بنیانگذار آن بود فرمانداران و استانداران و شهرداران در آن مستقر بودند و به کار و فعالیت و انجام وظیفه می‌پرداختند. بطوریکه ملاحظه می‌فرمائید اکنون عمارت امیریه خالی و سالها است استانداری و فرمانداری و شهرداری بجای دیگر رفته و مستقر شده‌اند بسیار بجا، مناسب و روا است که در این ساختمان کتابخانهٔ عمومی و موزه بندر بوشهر قرار داده شود که جای کافی دارد و دارای شانزده اتاق وسیع و دو سالن بزرگ است. بندر بوشهر این بندر باستانی تاریخی که جایگزین بندر لیان و بندر ریشهر که سابقه تاریخی ۵ - ۶ هزار ساله دارند گردیده است کتابخانهٔ عمومی و موزه کم دارد، رجاء واثق و امید کامل دارند در صورتیکه کتابخانه و موزه در آن مستقر گردد و قرار داده شود مردم بندر بوشهر کتابخانه‌های خصوصی و شخصی خود را به آنجا انتقال خواهند داد و تقدیم شهر بوشهر خواهند کرد عنایت و الطاف جنابعالی که مانند شادروان دریابیگی دانشمند فرزانه و استاد قلم هستید به انجام این منظور کمک خواهد کرد. با درود و بدرود

جوی کثیف

● جبار جباری

شهردار محترم بوشهر سلام، با توجه به اینکه جویهای این شهر از لحاظ لجن و کثافات واقعاً حرف ندارد بخصوص جوی جلو چلوکبابی نخلستان که هر وقت انسان از آنجا گذر می‌کند باید بینی خود را بگیرد و با زیر لب چیزهائی را زمزمه کند. لذا پیشنهاد می‌گردد جهت جلوگیری از این معضل مانند مرکز بهداشت در خیابان فرودگاه که پمپ اتوماتیک گذاشته‌اند که مرتباً آبهای زیرزمینی را در جوی آب روان می‌سازد و در نتیجه آبی در آنجا راکد نمی‌شود که منجر به بوی بد و ایجاد لجن شود، در این قسمت نیز پمپی کار گذاشته شود تا هم آبهای زیرزمینی را بکشد و هم از جمع شدن لجن جلوگیری شود ضمن اینکه بنظر می‌رسد که چلوکبابی مذکور باعث این وضع است و اگر اینطور باشد شخصاً موظف شود که در گذاشتن این پمپ کمک نماید.



حبیب روشن‌روان
کلاس سوم / دبستان نمونه مردمی سعادت/ معدل ۲۰ /با تشکر از سرکار خانم قدیمی



لیلا عظیمی
اول راهنمائی / مدرسه راهنمائی قدس معدل ۱۹/۳۵



بیان کمشکی
کلاس دوم / دبستان شهید باهنر(نمونه فرهنگیان)



روناک کمشکی
دورهٔ آمادگی دبستان صبا

برادر ارجمندم، ماشاءالله ابراهیمی
موفقیت فرزند دلبند شما و برادرزادهٔ عزیزم «سینا» در آزمون دانش‌آموزان تیزهوشان استان تبریک و تهنیت گفته، سربلندی بیشتر خانواده‌تان را خواستارم.
«برادرت عبدالرحمان»

خانم بهناز بهروزیان
کسب موفقیت شما در راهیابی به دبیرستان تیزهوشان (فرزانگان) را به شما تبریک و تهنیت گفته، موفقیت روزافزون شما را خواستاریم.
«دکتر پروانه حسین خضری - دکتر محمدرضا آرامی»

مسابقه قایقرانی محلی «ماشوه» در اسکله جزیره شیف

به مناسبت هفته وحدت و روز تأمین اجتماعی یک دوره مسابقه قایقرانی محلی «ماشوه» در اسکله جزیره شیف برگزار شد. در این مسابقه که با حضور مدیران کل تربیت بدنی، تأمین اجتماعی، بخشدار مرکزی و با شرکت ۳۰ نفر قایقران برگزار شد آقایان یاسین موجی و سعید عامری هر دو مشترکاً اول شدند. احمد نعیمی دوم و حسن ناصری و احمد علیپور نیز مشترکاً سوم شدند.
در پایان به قید قرعه به ۱۰ نفر از شرکت کنندگان جوایزی اهدا شد.

جام اخلاق تیم وزنه‌برداری نونهالان استان بوشهر

تیم وزنه‌برداری نونهالان استان بوشهر که درمسابقات قهرمانی نونهالان کشور در استان چهارمحال‌وبختیاری شرکت کرده بود موفق به کسب دو مقام چهارمی شد.
در این مسابقات که ۱۵ تیم حضور داشتند در رده سنی یازده و دوازده سال سینا ابراهیمی و محمدمهدی قربانی به مقام چهارم رسیدند و غلامرضا کریمی پنجم شد.
گفتنی است تیم وزنه‌برداری نونهالان استان بوشهر موفق شد جام اخلاق این دوره از مسابقات را از آن خود کند.

برگزاری مسابقه دو و میدانی در اهرم

به مناسبت هفته نیروی انتظامی یک دوره مسابقه دو به مسافت ۳کیلومتر دراهرم برگزار شد.
د راین مسابقه که ۳۵ دونده شرکت داشتند آقایان احسان محمدی‌نژاد، مهدی رحمانی، غلامرضا بهرامی، عادل صداقت و فتح‌الله حیدری مقامهای اول تا پنجم را از آن خود کردند.

ادامه مسابقات فوتبال قهرمانی جوانان شهرستان دیر

در ادامه مسابقات فوتبال قهرمانی جوانان شهرستان دیر چند دیدار در زمین فوتبال ساحلی این شهر برگزار شد.
در این دیدارها تیم فجر شهرداری ۷ بر ۲ در برابر تیم پیکان به برتری رسید. پیام مقاومت و وحدت یک بر یک مساوی شدند و تیم وحدت ۶ بر صفر تیم توحید را مغلوب کرد، شهرداری ۶ بر یک پیروزی را شکست داد.

پرسپولیس قهرمان مسابقات نوجوانان شهر اهرم

مسابقات قهرمانی نوجوانان شهر اهرم که در ورزشگاه شهدای تنگستان در جریان بود با قهرمانی پرسپولیس این شهر به پایان رسید. در این مسابقات تیمهای ایرانجوان واستقلال به ترتیب مقامهای دوم و سوم را کسب کردند.
در ادامه مسابقات فوتبال منطقه‌ای کشور یک دیدار در ورزشگاه تختی برازجان برگزار شد.
در این دیدار تیم مقاومت برازجان نماینده استان بوشهر در این مسابقات موفق شد با نتیجه یک بر صفر در مقابل تیم بهنوش تهران به پیروزی دست یابد.

جای خالی تیم ملی فوتبال ایران

● یوسف قیصی‌زاده



اگر چه جام جهانی ۹۸ با قهرمانی تیم فرانسه به پایان رسید اما مسائل حاشیه‌ای آن هنوز در خاطره‌ها باقی است و بحث و بررسی پیرامون این مسائل هنوز در کشورهای مختلف ادامه دارد. ضایع شدن حق مسلم تیم مراکش در صعود به دور بعد به دلیل بازی مشکوک برزیل و نروژ، دادن کارتهای زرد و قرمز بی‌مورد به بازیکنان برای قربانی کردن تیم آنها، گرفتن پنالتی‌های مشکوک به نفع تیمهای دلخواه، انتخاب ۳۸ بازیکن برتر جام جهانی در حالیکه حتی یک نفر از قاره آفریقا و آسیا در این انتخاب دیده نمی‌شوند. توطئه برای کم کردن سهیمهٔ آفریقا و آسیا در جام‌های جهانی آینده و صدها سیاست‌بازی و مسائل پشت پرده دیگر، از مسائل حاشیه‌ای جام جهانی بود.
اما در خصوص کشور خودمان ایران چند نکته‌ای که می‌توان به آن اشاره کرد:
پخش فیلم «بدون دخترم هرگز» از تلویزیون فرانسه قبل از دیدار ایران و آمریکا جهت تضعیف روحیهٔ بازیکنان ما بود که با عکس‌العمل به موقع مربیان و بازیکنان ما همراه شد.
انتخاب نکردن داوران ایرانی برای قضاوتهای جام جهانی از دیگر مسائل قابل بحث است.
نکته دیگر انتخاب نکردن پدیده جام جهانی در دور اول این مسابقات یعنی مهدی مهدوی‌کیا و یا حتی پاشازاده و ... در تیم ۳۸ نفره منتخب جام جهانی بود.

اما مهمترین مسئله ضایع کردن تیم ملی ایران و انتخاب نکردن این تیم به عنوان تیم اخلاق و یا بازیهای جوانمردانه بود. تیم ایران در این مسابقات بدون دریافت کارت قرمز، تنها با ۳ کارت زرد کمترین کارت را در بین ۳۲ تیم جام جهانی دریافت کرد. تیم ایران تنها تیمی بود که با دسته‌های گل از رقیبان خود حتی آمریکا استقبال می‌کرد، اما در پایان با سیاست‌بازی و حق میزبانی، تیم انگلستان و فرانسه بعنوان تیمهایی که بازی جوانمردانه ارائه داده‌اند معرفی شدند و هیچ اسمی از تیم ملی ایران به میان نیامد. در واقع آیا انگلستانی که با تماشاگران مسئله‌دار خود و با کارت قرمز «دیوید بکهام» از دور رقابتها حذف شد مستحق این عنوان بود؟! در تیم فرانسه نیز بازیکن این تیم «زیدان» با کوبیدن لگد به بازیکن عربستان با دریافت کارت قرمز از دو بازی محروم شد و «بلان» مدافع فرانسه در بازی با کرواسی با کوبیدن مشت به صورت دفاع کرواسی با دریافت کارت قرمز ضمن اخراج از آن بازی، از بازی فینال نیز محروم شد. حتی در بازی فینال نیر بعد از دریافت ۳ کارت زرد، «دسایلی» دفاع این تیم کارت قرمز گر فت، اما باز می‌بینیم بجای تیم ایران و یا تیمهای با اخلاق دیگر تیم فرانسه که تعداد کارتهای قرمز آنان به اندازه تعداد کارتهای زرد ایران است جام اخلاق و یا بازیهای جوانمردانه را از آن خود می‌کند.

برگزاری مسابقات آمادگی جسمانی خواهران در استان‌بوشهر

مسابقات آمادگی جسمانی خواهران استان با حضور ورزشکاران شهرستانهای تابعه در سالن شهید صدوقی بوشهر برگزار شد.
در پایان این مسابقات خانمها، طیبه سعادتمند، مریم بوستانی، منیره ماهینی، سهیلا تأمینی، رباب بنیادی، بهاره فخرا، معصومه بهبودیان، زینب شفاگر، مریم خواجه‌آزاد همگی از بوشهر در رده‌های سنی ۱۹ تا ۶۱ سال عنوانهای نخست را کسب کردند.
در رده تیمی نیز تیمهای بوشهر، خارگ وگناوه اول تا سوم شدند.

پیروزی ایرانجوان بوشهر بر شاهین خورموج

در چارچوب مسابقات فوتبال نوجوانان لیگ استان، یک دیدار در ورزشگاه تختی خورموج برگزار شد. در پایان تیم ایرانجوان بوشهر موفق شدبا نتیجه ۳ بر صفر بر تیم نوجوانان شاهین خورموج به پیروزی برسد.

برگزاری مسابقات پینگ پنگ قهرمانی جوانان استان بوشهر

مسابقات پینگ پنگ قهرمانی جوانان استان در سالن شهید صدوقی بوشهر برگزار شد. در این مسابقات که تیمهای بوشهر، خورموج و اهرم شرکت داشتند، آقایان علی‌اصغر ملاحزاده از بوشهر، امیر قائدحسینی از اهرم و مالک رویا از دیر عنوانهای اول تا سوم را کسب کردند.

ادامه مسابقات فوتبال باشگاههای دسته اول بوشهر یادواره شهدای بیت‌المقدس

مسابقات فوتبال باشگاههای دسته اول بوشهر یادواره شهدای بیت‌المقدس با چند دیدار ادامه یافت.
به گزارش خبرنگار ما در این دیدار که در ورزشگاه شهید بهشتی برگزار می‌شود تیم گسار ۲ بر صفر دریانوردان را مغلوب کرد، فجر با چهار گل در برابر قائم به پیروزی رسید و جنوب یک بر صفر از سد توحید گذشت.
بر پایه این گزارش در ادامه مسابقات دسته دوم باشگاههای شهرستان بوشهر یادواره شهدای هشتم شهریور تیم پرسپولیس یک بر صفر در برابر پیروزی به برتری دست یافت.

قدرنشناسی عزیزی از مربیان تیم ملی

● رضا فکور

از مشکل‌ترین شغلها در فوتبال شغل مربیگری است. معمولاً مربیان مظلومترین کادر در تیمها هستند.
بی‌انصافی در خصوص مربیان به حدی می‌رسد که اگر تیم نتایج خوب گرفت و پیروز شد این موفقیت را حاصل تلاش و خلاقیت بازیکنان بحساب می آورند اما اگر تیم بد بازی کند و نتایج ضعیف بگیرد تمام کاسه کوزه ها بر سر مربی خرد می شود و او را مقصر می دانند واخراج که هیچ بی آبرو می کنند.
علی پروین در بازیهای آسیایی پکن بعد از ۲۰ سال ایران را قهرمان آسیا کرد اما ۴ سال بعد بدلیل ضعف غلامپور در بازیهای مقدماتی جام جهانی ۱۹۹۴ علی پروین را با بدترین تهمتها خانه نشین کردند تا جایی که حتی از باشگاه خود، پرسپولیس نیز کناره گیری کرد. کاری که بازیکنان و مطبوعات آنموقع بر سر معلم اخلاق فوتبال ایران مرحوم پرویز دهداری نیز آوردند نباید از یاد برد.
همه این موارد مربوط به زمانی بود که تیم ایران بازیها و نتایج ضعیفی کسب کرد اما در ایران برعکس این قضیه نیز وجود دارد یعنی وقتی که تیم ایران خوب بازی کند و نتایج قابل قبولی نیز کسب کند باز همان بلا را بر سر مربیان تیم ملی می آورند.



«ویرا» مربی برزیلی تیم ملی ایران پس از مغلوب کردن تیم استرالیا در خانه خودش و رساندن تیم ایران بعد از ۲۰ سال به جام جهانی، مورد بی مهری و بی حرمتی و اخراج از تیم ایران قرار گرفت .«جلال طالبی» مربی با اخلاق و موفق کشورمان با اینکه درعرض دو هفته به جام جهانی، تیم شکست خورده و روحیه باخته ایران را تبدیل به تیم یکپارچه و هماهنگ کرد و باعث شد بهترین بازیهادر مقابل تیمهای آمریکا-یوگسلاوی - آلمان و کرواسی توسط تیم ملی کشورمان انجام گیرد بازهم مورد تهمتها و انتقادات قرار گرفت . حتی ذخیره نشینان با مصاحبه های گوناگون وی را مورد بی حرمتی قرار دادند و وی را فردی نالایق برای مربیگری تیم ملی دانستند.
اما عجیب تر اینکه خداداد عزیزی نیز که از وی بعنوان بازیکن با اخلاق تیم ملی یاد میشود بی‌حرمتی نسبت به مربی تیم ملی انجام داده است .
وی در مصاحبه با هفته نامه "نخل" گفته است :"اگر بجای آقای طالبی چوب هم وجود داشت بازهم ما این نتیجه ها را میگرفتیم بچه ها خودشان فوتبال بازی کردند ومربیان زیاد تاثیری نداشتند"
در جواب این بازیکن مغرور باید گفت : آیا در بازی با تیم آث‌رم که هفت گل خوردید مگر همین بازیکنان بازی نکردند پس چرا تلخ ترین شکست تاریخ ایران را پذیرا شدید؟ آیا در ایران با همین بازیکنان با حمایت ۱۰۰ هزار نفر تماشاگر با دوگل از مجارستان شکست نخوردید؟ مگر با همین بازیکنان در فرانسه با باشگاههای درجه دوم این کشور با انجام بازیهای، ضعیف دو شکست را متحمل نشدید . اگر آنموقع نیز بازیکنان به قول شما خودشان بازی می کردند پس چرا در مقابل تیمهای عربستان و قطر شکست خوردید.
اما واقعیت اینست که انتقاد شما از جلال طالبی نیز بدلیل تعویض شما در دیدار با آمریکا بود که بعد از تعویض در آن بازی بجای رفتن در نیمکت ذخیره ها مستقیماً به رختکن رفتید و پیراهن تیم ملی را به زمین کوبیدید.

فوتبال جوانان شهرستان کنگان

در ادامه مسابقات فوتبال جوانان شهرستان کنگان یک دیدار برگزار شد. در این دیدار تیمهای امید و وحدت یک بر یک مساوی شدند.

نمایندگان مجلس و حق سوال برای شهروندان

بحثی درباره نمایندگان استان بوشهر و استیضاح وزیر کشور و سؤال موکلان

● خلیل موحد

بعد از آن‌که جناح تمامیت خواه، نتوانست اندک اقدامات وزیر کشور را در رعایت و استیفای حقوق سیاسی، اجتماعی بایگانی شده اکثریت ملت، آن هم در قالب صدور مجوز برای برپائی چند اجتماع دانشجوئی، تحمل نموده و تصمیم گرفت با طرح استیضاح و دادن رأی عدم اعتماد به عبدالله نوری، او را از صحنه خارج و بیش از پیش جلو برنامه‌های سیاسی و فرهنگی موعود رئیس جمهور را سد نماید، این پرسش در محافل سیاسی، خصوصاً در ذهن آزادیخواهان و هواداران صدیق توسعه سیاسی و فرهنگی نقش گرفت که نمایندگانی که در این رأی‌گیری مبهم و مخدوش به عبدالله نوری رأی کبود دادند دقیقاً چه کسانی و از کدام حوزه انتخابیه هستند؟ مخفی بودن جریان رأی‌گیری نیز به حدس و گمانهای زیادی در نزد پیگیران مسائل سیاسی و از جمله سیاسیون استان بوشهر دامن زد و این پرسش در محافل خصوصی و عمومی طرح شد که سه نماینده استان در مجلس در رویارویی بین جناح اصلاح‌طلب دولت و اردوگاه محافظه‌کاران (راست سنتی افراطی، مروج و عامل خشونت) در کدام صف قرار داشته‌اند، صف موافقان اصلاحات یا صف مخالفان؟

برخی از شهروندان بوشهری نیز در مقالات خود، مندرج در مطبوعات محلی، فهرستی از پرسشها را طرح و از نمایندگان استان در مجلس درخواست نمودند که نمایندگان با صراحت و بدون کلی‌گوئی، پاسخگوی سؤالات و ابهامات موجود باشند. مثلاً یکی از سؤالات طرح شده در یکی از مقالات به قلم آقای جمال صولتی در پیش شماره ۱۷ هفته نامه نسیم جنوب این بود که «آیا آنان (نمایندگان استان در مجلس) همانند استیضاح‌کنندگان وزیر کشور با آزادی‌های قانونی ملت، مطبوعات، احزاب مخالف بوده و به خاطر این مخالفت، حاضر به ساقط کردن دولت خاتمی‌اند؟»

به نظر نگارنده، اینکه ما به عنوان یک شهروند و موکل حق سؤال و بازخواست از نمایندگان را داریم و یا خیر و آنها نیز موظف به پاسخگویی هستند، مستلزم آگاهی به وظایف و مسئولیتهای نمایندگان در برابر حقوق ملت و موکلین خود است. بطور کلی، در یک نوع تقسیم‌بندی، وظایف و مسئولیتهای هر نماینده و از جمله نمایندگان استان بوشهر، در برابر ملت را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

الف- وظایف و مسئولیتهای عام و فراگیر در برابر حقوق همه ملت و نیز موکلین خود در استان.

ب - وظایف و مسئولیتهای خاص نمایندگان استان در قبال مردم استان بوشهر، که باید پاسخگوی آنها باشند، زیرا این آقایان برای کسب رأی، طرح‌ها و برنامه‌هائی را اعلام نموده و یا وعده‌هایی را بصورت عمومی و یا خصوصی به مردم و افراد داده‌اند و مردمان رأی دهنده با امید به تحقق آن وعده در نهایت آنها را بر سایر کاندیدها ترجیح داده‌اند.

حال با مشخص شدن مسئولیتهای دوگانه نمایندگان، در برابر حقوق ملت، بهتر می‌توان تعیین نمود که پاسخگویی به هر یک از مطالبات و سؤالات ملت و موکلین منطقه‌ای در قلمرو کدامیک از وظایف مذکور قرار می‌گیرد؟

گفتن ندارد که بر اساس وظایف و مسئولیتهای نمایندگان که مفاد آنها در قانون اساسی تصریح شده، نمایندگان استان بوشهر مکلف و موظف به پاسخگوئی به همهٔ مردم ایران و موکلین خود در استان بوشهر هستند، زیرا مطابق اصل ۸۴ قانون اساسی، هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسایل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید. علاوه براین مطابق اصل ۶۷ قانون اساسی، نمایندگان برای رعایت امانت و تقوا در انجام وظایف وکالت خود و حفظ حقوق مردم و پایبندی به خدمت به آنها و مدنظر قرار دادن آزادی مردم و تأمین مصالح آنها در گفته‌ها، نوشته‌ها و اظهارنظرهای خود، در برابر قرآن مجید به خدای متعال یاد نموده‌اند. پس وظیفه انسانی، دینی و وظیفه مؤکد قانونی کلیه نمایندگان است که صادقانه وبا جدیت تمام جهت رعایت کامل و نیز استیفای تام و تمام حقوق همه جانبه انسانی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کلیه شهروندان از هر نژاد و زبان و قومیت و با هر نوع جهان‌بینی و دیدگاه سیاسی، اجتماعی، گام بردارند، زیرا آنها برای پاسداری از آزادیهای قانونی ملت، مطبوعات، احزاب و سایر حقوق اولیه انسانی همهٔ مردم سوگند یاد کرده‌اند.

اما همانطور که قبلاً عنوان گردید، نمایندگان مجلس علاوه بر وظیفه خود در قبال همه ملت، یکسری مسئولیتهای اختصاصی در برابر موکلین حوزه انتخابیه خود نیز دارند. آنها در حقیقت با موکلین خود قراردادی بسته‌اند که باید به مفاد آن قرارداد در دوره نمایندگی خود عمل نمایندو مردم حق دارند با پایان یافتن دوره چهار ساله، با انتخاب مجدد آن نماینده قرارداد خود را تمدید و یا به هر دلیل با فسخ آن قرارداد شخص دیگری را جایگزین فرد قبلی نمایند. و البته طبیعی است که فرایند مذکور در چارچوب یک انتخاب کاملاً دمکراتیک، آزاد و سالم معنی واقعی خواهد یافت.

حال باید دید مفاد محتوای این قرارداد یعنی طرحها، برنامه‌ها و وعده و وعیدهای نمایندگان استان به مردم حوزه انتخابیه خود چیست تا مردم با عدم تحقق آنها بتوانند نماینده را مورد بازخواست قرار داده و آنان موظف به پاسخگوئی باشند.

مطالعه طرحها و برنامه‌های کاندیدهای مجلس اعم ازکسانیکه در نهایت به مجلس راه یافته‌اند و یا افرادی که رأی کافی را نیاوردند حاکی از آن است که آنچه این کاندیدها در کارزار تبلیغاتی خود بر روی آن متمرکز شده بودند عبارت از ارائهٔ برنامه‌هائی بود جهت عمرانی و آبادانی اقتصادی استان، و رفع محرومیتهای آموزشی.

بلی، این آقایان وعده احداث راه‌آهن، گسترش فرودگاه، لوله‌کشی گاز، بهبود وضع آب و برق، احداث مناطق آزاد تجاری و یا بازارچه مرزی، اجرای طرح فاضلاب، ایجاد سد، توسعه دانشگاه، تقویت تعاونی مرزنشینان و دیگر وعده‌هایی از این قماش به مردم استان داده‌اند و کسانی هم که به این آقایان رأی داده جز خواسته‌های فوق، ظاهراً آرمان و آرزوی دیگری نداشته‌اند.

پس دوستان محترمی که از نمایندگان مجلس می‌خواهند که موضع خود را در رابطه با استیضاح وزیر کشور و آزادیهای قانونی ملت و مطبوعات، احزاب و حقوق اولیه انسانها روشن نمایند، باید به این نکته مهم توجه داشته باشند که مقولات فوق همگی در قلمرو توسعه سیاسی و فرهنگی قرار داشته و زمانی بعنوان یک موکل می‌توان در مورد مسئله‌ای از وکیل خود سؤال کرد که آن مسئله جزء مفاد قرارداد بین وکیل و موکل باشد. و این در حالی است که اساساً در برنامه‌های تبلیغاتی کاندیدهای نمایندگی مجلس، بحث توسعه سیاسی و فرهنگی هیچ محلی از اعراب نداشته است. این آقایان نمایندگان فعلی استان در مجلس و هم کسانیکه وارد مجلس نشدند هرگز به مردم استان وعده دفاع از حیثیت، حرمت و کرامت انسانها و یا وعده دفاع از آزادی عقیده، بیان، مطبوعات، احزاب و تشکلهای سیاسی و صنفی نداده‌اند. آنها در هیچ کجا و در هیچ زمانی نگفته‌اند که اگر روانه مجلس شدند از توسعه همه جانبه سیاسی و فرهنگی و حقوق انسانها دفاع خواهند کرد. آنها به ما وعده نداده‌اند که اگر روانه مجلس شدند در حد توان خود برای پر کردن شکاف عمیق طبقاتی که بین اقلیت دارا و اکثریت تهیدستان ایجاد شده، تلاش خواهند کرد. این آقایان کی و کجا به ما گفته‌اند که اگر بر کرسی سرخ مجلس تکیه زدند با اعمال خشونت‌بار و قانون شکنیها و شیوه‌های ضد اخلاقی و ضداسلامی گروههای رسمی و غیررسمی فشار مقابله و مخالفت خواهند کرد؟! کی و کجا اعلام کرده‌اند که در صورت نماینده شدن در جهت اجرای قانون ۱۸ سال متروک مانده شوراها اقدام خواهند کرد. و همینطور وعده‌هایی از این دست. بلی، نه تنها آقایان نماینده اجرای موارد فوق را تعهد ننموده‌اند بلکه موکلین آنها نیز چنین درخواستهایی را علناً مطرح نکرده‌اند و این البته علت دیگر نیز دارد و آن اینکه متأسفانه، جز احتمالاً در چند شهر بزرگ، نتیجه انتخابات مجلس در اکثر شهرهای ایران عمدتاً بر اساس روابط خانوادگی، قبیله‌ای، محلی، صنفی و برخی لج و لجبازیهای رایج و یا حداکثر خواسته‌های اقتصادی منطقه‌ای و محلی شکل می‌گیرد و نه بر اساس مطالبات و آرمانهای سیاسی و فرهنگی افراد.

نتیجه اینکه این آقایان در چارچوب وظایف عام خود، مسئول هستند که به سؤالات ما در مورد مقولات مربوط به توسعهٔ سیاسی و فرهنگی پاسخ دهند ولی در محدوده وظایف و وعده‌های داده شده خود به مردم استان، چون هرگز درباره توسعه سیاسی و فرهنگی برنامه‌ای نداشته و تعهدی نداده‌اند. شاید ملزم به پاسخگوئی نباشند ولی در هر حال به عنوان نماینده مسئول در مقابل ملت، موظف به پاسخگوئی هستند.

خداحافظی تلخ یک شهردار

● مهدی بوشهری

محکومیت سنگین شهردار موفق تهران «غلامحسین کرباسچی» نتیجه‌ای بود که مردم ایران پس از ساعتها نشستن به پای تلویزیون و دنبال نمودن جریان محاکمه به سختی انتظار آنرا داشته، در جریان انشاء حکم، قاضی دادگاه به بسیاری از مواردی استناد نمود که کرباسچی در دادگاه به روشنی از آنها دفاع نموده و از اینرو حکم داده شده برای محکومیت وی از نظر بسیاری، نامفهوم و نامشخص است، از آنجاکه بسیاری از مردم لحظه به لحظه این محاکمه را تا پاسی از نیمه شب دنبال می‌نمودند. بنابراین جای دارد که قوه محترم قضائیه جهت روشن‌تر شدن اذهان عمومی مردم درباره این حکم، توضیحات واضحی را به مردم ارائه دهد، شاید این امر



در دادگاه تجدیدنظر رخ دهد و در آنجا دلایل حکم محکومیت وی بیشتر روشن گردد. اما در مجموع محاکمه محکومیت کرباسچی را نباید یک پیروزی به حساب آورد. پیروزی و شکست هر جریان را باید در ارتباط با میزان تحقق اهدافش ارزیابی نمود.

هدف کسانی که بدنبال توسعه سیاسی و فرهنگی هستند محدود کردن قدرت زمامداران و عقلایی کردن تدبیر و تصمیم‌گیریهای آنها است. برای بوجود آمدن این امور نیاز به حاکم شدن روشهای خاص و شناخته شده‌ای است که در آن صورت گروههای رقیب با در نظر گرفتن آن روشها به رقابت پرداخته و در صورت رعایت این روش است که نظم بر جامعه حاکم می‌گردد. در محاکمه کرباسچی نیز ما همچنین استیضاح و کنار گذاشتن وزیر کشور شاهد این بودیم جناح راست برای به کرسی نشاندن حرف خود از روشهای مورد قبول و شناخته شده در سیاست استفاده نمود و از اینرو مدافعان توسعه سیاسی و فرهنگی نیز قبل از اینکه نگران نتایج استفاده از اینگونه روشها باشند باید نگران چگونگی استفاده از روشها باشند وتمام سعی خود را بکار گیرند که تمامی گروههای موجود پایبند به این روشها شده و در رقابت از قواعد بازی استفاده نمایند و از اینرو باید رخدادهای اخیر را پیروزی برای مدافعان توسعه فرهنگی -سیاسی دانست که توانسته اند رقیب قدرتمند و مغرور خود را مجبور به استفاده از روشهای سیاسی شناخته شده جهت اجرای مقاصد خود نمایند.

از جامعه تا توس

● مصطفی علیزاده

خبر کوتاه بود : جامعه نیز تعطیل شد. بالاخره پس از مدتها انتظار توأم با اضطراب، روزنامه آزادیخواهی و دموکرات‌منش جامعه برای همیشه تعطیل و توقیف شد و به تاریخ مطبوعات پیوست. روزنامهٔ جامعه در طول انتشار کوتاه مدتش نشان داد که روزنامه مستقل، آزادیخواه و سخنگوی روشنفکران دینی یعنی چه؟ و چگونه می‌توان با نیروهای بالفعل موجود نشریه‌ای وزین، ملی، مردمی، پویا و در عین حال مدافع اسلام امروزی، آزادی، استقلال و دموکراسی منتشر نمود.

«جامعه» برگ زرین و درخشانی دیگر از کتاب بزرگ و خواندنی «تاریخ مطبوعات» ایران بود که سطح توقع خوانندگان، از مطبوعات را به شدت بالا برد و در اندک مدت به یکی از پر تیراژترین نشریات ایران تبدیل شد.

انتشار جامعه نشان داد که در صورتیکه نشریه‌ای صادقانه و از سر درد با مخاطبان خود سخن بگوید، مخاطبانش به او اعتماد نموده و او را با آغوش باز پذیرا می‌شوند. بی‌شک افزایش نشریات و بالا رفتن تیراژ آنها که نشانه‌ای از توسعه فرهنگی است، میسر نمی‌گردد مگر با دادن آزادی بیان به مطبوعات و اینکه بایست سلیقه‌ها و عقاید دیگران را محترم شمرد و به آنان نیز امکان ابراز وجود داد و جامعه در اندک مدت انتشار خود نشان داد که روزنامه‌نگاران این دیار سخن برای گفتن بسیار دارند و در صورت فراهم شدن شرایط می‌توانند وظیفه مهم مطبوعاتی خود را به نحو احسن انجام دهند.

جامعه مدافع حکومت مردم سالاری بود و در مدت کوتاهی، به سخنگوی روشنفکران مذهبی مبدل گشت و از اسلام قرائتی آزادیخواه، طرفدار حقوق بشر و مروج رحمت و شفقت بر خلق ارائه داد، جامعه قانون را پاس داشت و نوید «جامعهٔ مدنی» بود. در هر صورت باید تعطیلی جامعه را نیکو هم نگریست و انتشار کوتاه مدت آنرا تجربه‌ای موفق برای کسانی دانست که دلشان برای آبادی ایران و سربلندی اسلام می‌تپد و از شروع تا پایان، آنرا به دیدهٔ عبرت نگریسته و به جستجوی نقاط ضعف و قوت آن پرداخت.

امیدواریم که دست‌اندرکاران نشریه جامعه که هم اکنون در روزنامه توس گرد آمده‌اند با دقت و ظرافت بیشتری به خدمت فرهنگ و ادب این مرز و بوم بپردازند.

یک ماجرا و یک معما

پیرامون مراسم بزرگداشت صادق چوبک

● ابراهیم احمدی

چندی پیش از طریق هفته نامه نسیم جنوب باخبر شدیم که قرار است مجلس بزرگداشتی به مناسبت درگذشت تأسفبار شادروان صادق چوبک، نویسنده پرآوازهٔ بوشهری، در زادگاهش برگزار شود. این خبر از جهتی مایهٔ تأثر بوده از سویی غرورآفرین. متأسف شدیم که باز هم می‌بایست در سوگ فقدان بزرگی از بزرگان ادب و هنر مملکتمان، گرد هم آئیم، و مسرور شدیم از این اینکه گروهی از همشهریان این فقید بزرگ، برای آن‌که مقام هنر و ادب را ارج بگذارند، همتی به بزرگی نام و آوازهٔ دیارشان را به منصّه ظهور رسانیده‌اند - هر چند که مطابق معمول نوشداروی پس از مرگ سهراب بود - ولی در یک بعد از ظهر داغ که به محل اجرای مراسم رفتیم، با کمال تعجب مواجه شدیم با جمله‌ای بدین مضمون که بر پارچه‌ای نقش بسته بود: «با عرض پوزش - مراسم بزرگداشت صادق چوبک تا اطلاع ثانوی برگزار نمی‌شود». طبیعی بود که در همانجا، مردم مطابق معمول، بی‌آنکه خود را نیازمند تحقیق بدانند، فوری عدم برگزاری مراسم را گذاشتند به حساب مسئولین، و با نارضایتی و اعتراضی فرو خفته، راهی خانه‌هایشان شدند. البته برای چوبک که هم اکنون هزاران کیلومتر دورتر از ما و در دیار غربت، سنگینی خروارها خاک را بر جسم بی‌جان خود تحمل می‌کند، برگزاری و یا عدم برگزاری چنین مراسمی، هیچ فایده‌ای را در بر ندارد، ولی بازماندگان او و تمامی همشهریانش که او را مایه افتخار و نشانه‌ای از صلابت فرهنگی دیار خود می‌دانند، داغ ننگ جلوگیری از اجرای مراسم، چیزی نیست که به راحتی قابل تحمل باشد. ولی با این همه، آنچه که برای این حقیر، حائز اهمیت درجه اول اس[illegible]حود یک تشکیلات نوظهوری است تحت عنوان «انجمن شـ[illegible]ادب بوشهر». تا آنجاکه من اطلاع دارم انجمنهایی از این دست، معمولاً تشکلهای صنفی - مردمی می‌باشند که با توجه به ماهیت فلسفه وجودیشان، با یکی از ارگانها و سازمانهای دولتی ارتباط شغلی پیدا می‌کنند. و این رابطه نیز صرفاً در راستای فقط بهره‌وری تشکل مذکور از امکانات انحصاری دولت، صورت می‌پذیرد و لاغیر - نظیر رابطه تعاونی‌های مردمی با ادارات تعاون - بنابراین، هرگونه وابستگی - خصوصاً در محدودهٔ ادب و هنر - کاملاً غیر مردمی بوده و دولتی تلقی می‌شود، و خود می‌دانید که شعر و ادب دولتی، یعنی چه؟! متأسفانه آنچه که در ارتباط با مسئله برگزاری مراسم بزرگداشت شادروان صادق چوبک، مشکلاتی را بوجود آورده، تلقی غلط برخی از مسئولین فرهنگی، نسبت به ماهیت این انجمن مورد بحث است. از آنجا که چون رئیس این انجمن در بوشهر، منشی مدیر کل ارشاد بوده و از نظر پرسنلی تابع اداره مذکور می‌باشد. باکمال تأسف جنبه مردمی انجمن تحت ریاست خود را فراموش کرده و آن را به تابعی از اداره کل ارشاد، محسوب داشته‌اند. صحت این ادعا را در عنوان نامه ایشان، خطاب به «مدیریت کل متبوع» خود، می‌توان به عینه مشاهده نمود و همین تصور غلط باعث گردیده که رئیس انجمن برخلاف اعلام قبلی دبیر و دیگر اعضاء انجمن، و نیز اصرار آنان در برگزاری مراسم، مطابق خواست رؤسای ما فوق اداری خود عمل نماید.

ولی با همهٔ آنکه سعی شده است تا در این بازی، مقصر اصلی ماجرا، رئیس انجمن شعر و ادب، معرفی گردد، در نامه‌هایی که علی‌الظاهر فی مابین رئیس انجمن و مدیر کل ارشاد ردّ و بدل شده و در نسیم جنوب، شماره یک نیز مندرج است، نکته ظریفی نهفته است که با همه معما بودنش، خیلی از قضایا را نیز برملا می‌سازد: در این دو نامه، اشاره به رقم «۲۰/۱۲۰/۴۰۷۶» مورخ ۷۷/۴/۲۵» درج گردیده است که ظاهراً شماره نامه‌ها است!! و هر کدام از طرفین نیز مدعی است که مربوط به طرف مقابل می‌باشد. بدین مفهوم که آقای مدیر کل ارشاد مدعی است که رئیس انجمن طی نامه‌ای به همین شماره به ایشان اطلاع داده‌اند که از طرف این انجمن هیچگونه دعوتی برای شرکت در مراسم به عمل نیامده است، و از طرف دیگر، رئیس انجمن نیز مرقوم داشته‌اند که نامه ایشان «بازگشت» به نامه‌ای از مدیر کل و با همین شماره می‌باشد. و بالاخره برای ما معلوم نشد که آیا نامه‌ای به این شماره را قبلاً «رئیس انجمن شعر و ادب بوشهر» به «مدیریت کل متبوع» خویش نوشته است و یا اینکه جناب مدیر کل قبلاً از انجمن مذکور خواسته‌اند که نامه‌ای با همان شماره را برایشان بنویسند؟! به هر حال بهتر است شما خوانندگان نشریه نیز هر دو نامه را یکبار دیگر با دقت مطالعه نموده و اینجانب را در حل این معما، یاری فرمائید.

جوابی به یک برادر جانباز کنگانی

● رمضان افشارپور

بنام خداوند جان و خرد
کزو برتر اندیشه بر نگذرد

برادر حیدر بوازی جانباز محترم و ارجمند

با سلام. انتقاد شما از نسیم جنوب را خواندم .جایگاه شهدا و جانبازان بلند و متعالی می‌باشد و تصوراً نیازی به عنوان کردن ندارد. زیرا کافی است که فردی برای لحظه‌ای سوزش سر سوزنی را در یکی از اعضاء بدن خود حس کند، دیگر می‌داند جانباز یعنی چه؟ و چه کسی است؟ یا بقول معروف «طلا نیازی به خاک ندارد» اما سؤالی از آن برادر گرامی داشتم، آیا می‌دانید از قدیم‌الایام هر طایفه، قبیله، شهر و دیاری یکسری آداب و رسوم مخصوص آن منطقه بنام فوکلور با فرهنگ خود دارند از جمله: «دمام، نی‌انبان، شروه، خواندن و حفظ کردن دو بیتی و رباعیات فایز، مفتون و خیام» از مواردی بوده که معمولاً در خون بوشهر و بوشهریها عجین بوده است و هر کدام هم در مکان و زمان خاصی استفاده می‌گردیده است. اصلاً آیا می‌دانید مراسم جشن و شادباشها و عروسیهای زمان جد و اجداد ما از چه آلات موسیقی استفاده می‌شده آیا سلام و صلوات خشک و خالی بوده و یا اینکه .... . برادر من هر سخن جائی و هر نکته مکانی دارد من نمی‌دانم نی‌انبان و استفاده از آن به عنوان یکی از آلات موسیقی محلی و سنتی در مجالس شادی چه حلالی را حرام و چه حرامی را حلال می‌کند. به نظر حقیر شرط فقط استفاده صحیح از آن است که اگر از آب خوردن هم درست استفاده نشود طبعاً مشکلاتی در بر خواهد داشت در جمع، فرق مجلس عزا و عروسی در چیست؟ طبعاً غم و اندوه است و بالعکس بزم و شادی خلاصه این همه مورد حسنه و خوب که می‌توان بصورت امر به معروف به آن اشاره کرد چرا از خاطرها رفته است و بالعکس این چه تلاش نافرجامی است، نی‌انبان را منکر معرفی نمائیم و مورد دیگری که قابل اشاره بود. آیا می‌دانید یکی از وظایف نمایندگان محترم پیگیری و حل مشکلات منطقه و موکلین خود می‌باشد پس ضرورتی به عنوان کردن ندارد خلاصه صلاح در این است که انجام فرائض امر به معروف و نهی از منکر به شیوه‌ای باشد که از دل برآید لاجرم بر دل هم بنشیند زیرا بنده بر این عقیده‌ام که خدا به انسانها عقل، چشم، گوش و حس داده تا با آزادی عمل در چارچوب مقررات اجتماعی از نعمتهای خدادادی استفاده کند در غیراینصورت هر موردی تحمیل باشد نتیجه و محصول آن منفی خواهد بود.

نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی

صاحب امتیاز : دکتر عبدالامیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
مدیر اجرایی : مهندس محمد مهدی بنجاری
مدیر فنی : حسین ابوالحسنی
بخش ادبی : منوچهر آتشی
بخش مقالات : سید قاسم یاحسینی
بخش ورزشی : سید محمد سیدزاده
بخش هنری : حسین دهقانی
بخش اقتصاد : پرویز حاجیانی
بخش معارف : حجة الاسلام محمد فولادی
بخش سیاسی : خضر خلیلی
بخش جوانان : محمدسعید فقیه
بخش عکاسی : عباس حیدری
چاپ ولیتوگرافی: چاپخانه علوی بوشهر، خ امام، خ شهید حیدری
آدرس: بوشهر، خ امام، خ فاطمیه، خ شهیدقیصی زاده، دفتر هفته‌نامه نسیم جنوب-تلفن: ۳۵۸۲۰ صندوق پستی: ۱۱۹۹